٢١٩٣

M.A.LIBRARY, A.M.U.
PE2194

2002

واوّل ظالمیهم المستوجبین للسخط والنکال وبعد چنین گوید
این بندهٔ ضعیف ذلیل وملتجی بعفو وکرم خداوند جلیل جمال
الدین محمّد بن العلاّمة حسین بن مرتضی الحسنی الحسینی الطّباطبائی
الواعظ الیزدی الحائری بلغه الله الی ما یتمنّاه وجعل عقباه
خیراً من دنیاه که بر ضمائر هوشمندان اسرار وخردمندان عالی
مقدار وصیرفیان عیون جواهر اخبار پوشیده نماناد که این وجیزه ایست
در بیان اوائل اخبار وآثار ذکر می شود مطالب غریبه وسوانح
عجیبه فریده که کمتر بسمع دانشمندان عالم رسیده بخواهش بعضی
از فضلآء ابرار وادباء اخیار بمقتضای المیسور لا یسقط بالمعسور
بقلم تالیف وخامه تحریر درآورده وحصول این نامه از آثار
عصر همایون ودولت روزافزون اعلیحضرت ناهید عشرت
کیوان رفعت خورشید رایت بهرام صولت مشتری سعادت
جمشید حشمت فریدون حکمت سکندر همّت فیروز بخت
سلطان سلاطین زمان دارا دربان کسری نشان گیتی ستان
قوام ملک وملّت دوام دین ودولت السّلطان بن السّلطان
والخاقان بن الخاقان السّلطان ناصر الدّین شاه قاجار لا زالت
اعمدهٔ فساطیط جلاله مرفوعة واطناب خیم سلطنته ممدودة
اللّهم متّع المسلمین بخلود ملکه وابود دولته ونصره عساکره
ما بقی اللّیل والنّهار وتلاطم البحار وتجری الانهار ونامیدهٔ
این اثر جمیل وفهرس شریف را به اخبار الاوائل وسو

CHECKED 19

ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع امیر ظاهر
⁂ بین نغز کتابی که بتاریخ   اخبار اوائل شده موسوم ⁂
امید چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم
بهم رسانند و در نظر ارباب غرض اَلَّذِینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ سخنی گوید
منه گوش در قول صاحب غرض   که از کینه در سینه دارد مرض
رجاء واثق آنستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان علم اثر و سیر
بنظر حقارت براین نامه خورد ننگرند و خورده نگیرند و اگر
سهو و غلطی بیابند شان اکابر آنستکه بجامه عفو از در اصلاح
درآیند والعذر عند کرام النّاس مقبول ولعلّ النّاظر فی هذا
الکتاب المنسوج علی ذالک المنوال بعد الملاحظة علی الأنصاف
والتّامّل الصّادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه و من الله
المتعال الاعانة فی کلّ احوال والتّوکّل الیه والتّوسّل الی اولیائه
فی المبدء والمال وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اوّل
چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور مقدّس
سیّد انبیاء محمّد مصطفی صلّی الله علیه و آله بود چنانچه در روضة
الصّفا و مناهج الطّالبین و حبیب السّیر و ناسخ و دیگر کتب احادیث
مسطور است که روزی جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد
یا رسول الله اوّل چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود آنحضرت
فرمود نور نبیّک اخبار و احادیث مختلفه در این باب وارد

شده

شده کما قال اوّل ما خلق الله القلم اوّل ما خلق الله العقل فقال له اقبل فاقبل ثمّ قال له ادبر فادبر فقال وعزّتی وجلالی ما خلقت خلقا اکرم علیّ منک بک اعطی وبک امنع وبک اثیب وبک اعاقب وقال اوّل ما خلق الله اللوح وقال ایضا اوّل ما خلق الله الروح وفی الخبر فلمّا خلق العقل وهو اوّل الروحانیّین در جواهر الاسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزه بن علی الطوسی امده بدانکه اوّل شیئ که از موجود حقیقی صادر شد عقل اولست بدلیل اوّل ما خلق الله العقل وفی روایة جوهرة وفی روایة درّه وفی روایة اوّل ما خلق الله العشق وفی روایة العلم واینها مختلف نیست بحسب معنی بلکه همه عبارت از یک چیز است یعنی جوهره که در روی ثآء وحدتست اسم محمّد صلّی الله علیه وآله است وچون این حقیقت والمعانی بود اسم او درّه امد وچون حیّ ومحیی بود اسم او روح امد وچون ظاهر ومظهر بود اسم او نور امد وچون مدرک کلیّات بود اسم او عقل امد ونار الله که در روی محبّت موقد گشته بود اسم او عشق امد پس جوهر اسم ذات او باشد وما بعد اسمآء وصفات او بود گفته اند نخستین اتش عقل کلّ امد که در روی همچو پای بسمل امد ونیز خواجه نصیر الدّین طوسی ره گفته اوّل ز مکوّنات عقل وجانست واندر پی او نه فلک گردانست زانها چه گذر کنی چهار ارکانست پس معدن وپس نبات وپس حیوانست ودر جای دیگر وارد شده

که اوّل ما خلق الله جوهریست که چون مخلوق شد نظر کرد خداوند
باو بنظر هیبت پس از هیبت خدا گداخته شد و گرم گردید و از او
کفی بهم رسید و دخانی برخواست پس افرید از دخانش سموات را و از
کفش زمینها را و علمآء فنّ اخبار و اثار در باب این احادیث تاویلها
چند کرده اند و نیکوتر از همه تأویلها که شبیه بتأویل اوّل است
آنکه عبد الله بن علی بن اسعد الیافعی الیمنی در کتاب نوادر المعانی
این وجه مرقوم داشته که مراد حضرت رسالت پناه از این عبارت
یکجوهر است بنا بر آنکه ان جوهر بوجود ظاهر است و مظهر غیر و فیضان
کمالات بر ذات مقدّس نبوی از مبدأ اله بتوسّط وی واقع گشته
از آن نور گفته اند و خود اضافت فرمود باعتبار آنکه نقّاش علوم ما
بر لوح محفوظ بر صفحات نقوش معتبر بقلم گشت و از این جهة که
مخترع خویش و ذات خود و سایر اشیآء را تعقّل نموده موسوم
بعقل شد و بواسطه آنکه محلّ نقوش اعیان ثابته است لوحش
گفتند و از این حیثیّت که حیّ بالذّات و محیی غیر است روحش
خواندند و این معنی از اجلّ بدیهیّات می نماید که تعدّد اسمآء
موجب اختلاف مسمّی نیست در روضة الصفا مؤلّف گوید
این روایات مختلفة العبارات متناقض نیستند چه تواند بود
که همه اشاره بحقیقت واحده باشد که حقیقت محمّدیّه است که
قبل از تکوین عالم شهود و تزیین نقوش موجود قوله تم وَمَآ
أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا صورت اوّل که الف نقش بست

بر در محجوب احمد نشست   اکر چنین نکوئی جمع میان احادیث نبوی
نخواهد شد و تناقض لازم اید و انجناب اجل شان است از اینکه
تناقض در کلامش باشد که در بعضی روایات عقل و در بعضی
روح و در بعضی القلم و در خبر نوری است همه اینها مقصود نور
خاتم انبیاء است و از انجا است که در خبر امده ندای حضرت
احدیت رسید لولاک لما خلقت الافلاک   خلقت لولاک شد
از قامت او مفتخر همچنان کافلاک از تشریف هستی کامیاب
چه نیکو کفته شاعر   نور اول هم کروهی خوانده اند   لیک از تفسیر
او وا مانده اند   روح اول هم فریقی کفته اند   کوهر معنی در ان
ناسفته اند   قوم دیکر از ازل لفظ قلم   بهر نام پاک او کرده علم
قال ابو جعفر علیه السلام یا جابر ان اول ما خلق الله خلق محمدا و عترته
الهداة المهدیین فکانوا اشباح نور بین یدی الله ثم یعنی حضرت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود ایجابر اول انچه خدا خلق فرمود
خلقت محمد صلی الله علیه و اله و اولاد هادیه مهدیه او بود پس
انها با بدان اشباح نوری پیش خدا موجود بودند فی الکافی
و شیخ عزیز نسفی کوید و قسمی دیکرانند اکرچه بعالم التفات
ندارد و در شهود قیومیت شیفته و متحیرند اما ایشان حجاب
بارکاه الوهیتند و وسائط فیض ربوبیتند و این طائفه را
باصطلاحی دیکر اهل جبروت کویند و سید و رئیس ایشان
روح اعظم است و در ملاء اعلی از وی عظیم تر روحی نیست

اورا باعتباری قلم اعلی خوانند که اوّل ما خلق الله ثمّ القلم فی مقصد
الأقصی مؤلف گوید بباید دانست که در اوّل ایجاد و ابداع یک
وجود بفضاء شهود آمد و تمام کثرات عقلیّه و حسیّه منجّما
و مرتّبا از مشیّت اولیّه خلعت هستی پوشیدند پس بهمان ترتیبی
که در عالم اوّل اظهار فرمود خلاصه از بنی آدم و اهل عالم را در این
عالم حسّ و شهادت نیز آشکارا ساخت یعنی نور حضرت مولای
متّقیان علی علیه السّلام از نور خاتم رسل عقل کلّ محمّد صلّی الله
علیه و آله نام او در نامه ایجاد حرف اوّلین ذات او در دفتر
توحید فرد انتخاب و نور حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
از این هر دو نور و نور دو سیّد شباب اهل بهشت امام حسن
و امام حسین علیهما السّلام از نور صدّیقهٔ کبری ظاهر گشت
و در این عالم مانند آن عالم با همان ترتیب و تدریج بعرصهٔ عالم
تکوین قدم نهادند آنچه اوّل شد پدید از جیب غیب بود نور
جان او بی هیچ ریب بعد از آن آن نور مطلق زد علم گشت عرش
کرسی و لوح و قلم یک علم از نور پاکش عالم است یک علم ذریّة
آدم است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون معطی
هر ذات بود واجب آمد دعوت هر دو جهانش دعوت ذرّات
پیدا و نهانش میان او و میان ایزد پاک هیچ واسطه نیست مگر
تعیّن او چنانکه فرموده است اوّل ما خلق الله روحی او نوری
یعنی اوّل چیزیکه خدا خلق کرده است او را روح یا نور من است

ومقصود از همه افعال قادر منّان اوست چنانچه در حدیث قدسی فرموده لولاک لما خلقت الأفلاک اوّل بقعهٔ که ایزد متعال در زمین خلق فرمود کعبه بود چنانچه در کلام مجید خود میفرماید إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ در تفسیر صافی از امام محمّد باقر؏ روایت شده که فرمود لَمَّا أَرَادَ اللهُ تع أَنْ يَخْلُقَ الأَرْضَ امر الرّیاح فضربن متن الماء صار موجاً ثمّ ازبد فصار زبداً واحداً فجمعه فی موضع البیت ثمّ جعله جبلاً من زبد ثمّ دحی الأرض من تحته وهو قول الله تع إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا الخ شعبی گوید خانه کعبه شرّفها الله را اوّل آدم بنا کرد دوّم شیث پس ابراهیم پس اسمعیل پس قریش پس عبدالله بن زبیر که شادروان و حجر داخل کرد پس حجّاج بن یوسف بوضع اوّل ساخت و گویند اینکه امروز هست بنای حجّاج است مؤلف گوید در کتب تواریخ بنظر رسیده که در روز نوزدهم شعبان سال هزار و سی و نه سیل عظیم آمد و تمام دروازه‌ها و خانه‌های مکّه را خراب کرد و داخل بیت الله شد و بقدر یک قامت و نیم آب بلند شده و دیوار را گرفته بود و حجرالأسود از خانه جدا شد سلطان مراد رابع عثمانی فرستاد تعمیر کردند و سیّد زین العابدین کاشی حجرالأسود را نصب نمود و فراغ از بناء سنه ۱۰۴۰ از هجری بود و رفع الله قواعد البیت تاریخ اوست و بناء حجّاج از جانب شامیه ساقط گشت

والآن که این بنا ظاهرست از سلطان مرادست اوّل کسیکه
از صوامع جبروت بحج بیت الله امد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء والسالم اوّل صیدیکه در شبکهٔ وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعة الاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس الفنون لمولانا محمود الدین اوّل
پیغمبران ادم صفی است اوّل وصی انبیاء شیث بود ؑ اوّل کس است
که از اولاد ادم عذارش بمحاسن مشکین مشک اگین گشت واوّل
کس است که بعد از ادم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت وتنبیه
ضروریات شریعت پرداخت وبنابراین حکماء اورا اوریای
اوّل گویند چه اوریا بلغة سریانی معلّم است فی حبیب السیر
وغیره اوّل کسیکه درخت خرما نشانید انوش بن شیث بود
واوّل کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بناکتی
وحمد الله مستوفی اوّل کسیکه بسوزن جامه دوخت شیث ؑ
بود واوّل کس است که بقلم نگاشتن فرمود واموخت اوّل
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خزر بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خز خوانند واوّل کسیکه از مگس
نحل استخراج عسل اموخت در ناسخ اوّل کسیکه از پوست
سمور وسنجاب پوستین کرد برطاس بن کاری بن یافث بن
نوح ؑ بود اوّل کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق گشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود

سرتاجداران کیومرث بود در نظام التواریخ است وغیره و اوّل کسیست که در مملکت ایران بر چهار بالش سلطنت نشست و تشیید قوانین حکومت فرمود و باتفاق مورخین جهان اوّل کسیست که بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد عکس قول شیخ ابوحامد محمد بن محمد بن محمد غزالی است که در کتاب نصیحة الملوک گفته کیومرث برادر شیث بود شیث قانون شریعت داشت و کیومرث قانون حکومت و سلطنت اوّل من بنی وسکن الدور وکانوا قبل ذالک یسکنون الکهوف والمقابر فی اخبار الدول وآثار الاوّل واوّل کسیست که جغد را مشئوم شمرده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه جغدی را دید که چند کرّت آوازی موحش کرد آن را بفال بد گرفت چون بمسکن سیامک شتافت وی را کشته یافت لاجرم جغد را مشئوم دانست در ناسخ اوّل من تکلّم بالعبرانیة شیث وهو اوّل من لبس القلنسوه والنعلین واوّل من علم الکتابة وعلم الحساب والشهور والسنین فی سبائک الذهب اوّل کسیکه مقراض ساخت وقطع اثواب کرد متوشلخ بن ادریس نبی بود قرطاس حکیم گفته که اوّل مخلوقات هواء است ومجموع اجرام علویه را اجسام سفلیه از هوا متکوّن شده چنانچه کواکب وعقول ونفوس را از هوای صافی مخلوق گشته اند وجماد ونبات وحیوان وانسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

ملا احمد النراقی اوّل قتیلة قتلها الله تع وان عناق دختر آدم
او را بیست انگشت بود که در هر انگشت دو ناخن داشت و هر ناخن
را بمثابه داسی بزرگ داشت و هرگاه مینشستی یک جریب زمین
را طولا و عرضا فرو میگرفت فسلّط الله علیها اسدا و ذئبا و
نسرا فقتلوها در ناسخ اوّل کسیکه کیل و ترازو ساخت
شعیب نبی بود و حقّ مردمانرا تمام میدادند قوم بکیل او
کیل میکردند در خبر است که بدست خود ساخت و چون
شروع کردند در کم دادن کیل و ترازو و دزدی در او پس
ایشانرا زلزله گرفت و بان معذّب گردیدند تا اینکه هلا
شدند اوّل کسیکه در ترکستان رایت جهان ستانی بر
افراشت ترک بن یافث بن نوح بود در ناسخ و اوّل کسیکه
خانها از چوب و کیاه ساخت اوّل کسیکه اختراع خیمه
خرگاه کرد لهراسب کیانی بود که نسب او بکیقباد میرسد
کسیکه جامه از چرم حیوانات ترتیب داد در ناسخ [illegible] ت
سر بریده که سخن گفت سر یحیی بن زکریّا بود در مجلس [illegible] س
پادشاه فرمود با ربیبه خود زنا مکن او متنبّه [illegible] کرد
تا سر حضرت یحیی را انجاک سپردند اوّل قتلی که [illegible] ـد قتل
هابیل است بدست قابیل در تاریخ ابن اثیر [illegible] عمل
الوقع کتاب الملک اوّل من اسلم من الا [illegible] رافع بن
مالک در سبائک الذهب اوّل ملوک [illegible] است

۱۰۱۹

فی اخبار الدول اول کسیکه رسم نمک در طعام پدید آورد
فودك خان پسر ترك بن یافث بن نوح بود گویند روزی فودك
در شکارگاه لقمه در دهان میگذاشت از دستش رها شد در شوره
زاری افتاد و نمك آلوده شد چون فودك آن لقمه را برگرفت و
بخوردن طعم را ملایم ذائقه یافت از آن پس رسم شد که نمك در
طعام باشد در ناسخ اول پادشاه سریانی نمرود بن کوش [illegible]
زعة بن نوح بود در ناسخ اول من سن الحداء للابل مضر ب
ار و کان من احسن الناس صوتا فی سبائك الذهب اول
لك نصب الأعلام و بنی الامیال و العلامات علی الطرق و
اهل ابرهة بن حارث بن قیس فی سبائك الذهب اول
سنت صور در میان آشکار ساخت طهورس بن دیوبند
بن [illegible] شنات بود چه در کتاب روضة الصفا و اخبار الدول
و [illegible]ل و ناسخ التواریخ است که در زمانش قحطی بسیار
عظیم [illegible] گشت و علامتی غریب روی داد میفرمود تا اغنیا
همه روزه [illegible]ند و طعام چاشتگاه خود را بفقرا بخشش کردند تا آن
بلا برطرف [illegible] و در روضة الصفا است در آن اوان قحطی عظیم
روی نمود [illegible]ه گرده مردم اب می شد تا گرده از تنور در زق
میکشید [illegible] بینوایان روز بدیدن قرص خورشید
بشب میم[illegible]ب بمشاهده کلیچه قمر بروز میرساندند
غذای اوست [illegible] قرص در شب و روز بروز دیدن خورشید و شب مه تابان

واوّل کسیستکه مرغان شکاری را صید اموخت در روضة
الصّفا واوّل کسیست که خطّ پارسی بر کتاب نوشت واوّل کسیست
که ابریشم از کرم قزّ اندوخت واوّل کسیست که حمل اثقال بر دواب
نمود اوّل کسیکه تاج بر سر نهاد جمشید جم بود واوّل کسیستکه
عید کرد و نام ان نوروز نهاد واوّل کسیستکه لعل وگوهر از
معدن براورد واوّل کسیست که جامهای حریر با رنگهای مختلف
ملوّن کرد واوّل کسیست که الات حرب را چون شمشیر وخنجر
وخود ومغفر بکمال رسانید واوّل کسیست که حمّام بنا نهاد
واوّل کسیست که در علم طبّ استنباط بدیع کرد واوّل کسیست
که رسوم جادها در مسالك ومعابر مقرّر داشت واوّل کسیست
که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت اوّل کسیکه
رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السّلام بود در حقّ الیقین
اوّل کسیکه تاج ساخت وبر سر نهاد شابور بن هرمز بود در
حیوة القلوب اوّل کسیکه نوره اختراع کرد سلیمان بن داود
علی نبیّنا واله وعلیه السّلام علیّ بن ابراهیم روایت کرده که از
پیش از امدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنّیان را که خانهٔ
از شیشه برای او ساخته بودند وبر روی اب گذاشته بودند
پس بلقیس امد گفتند باو که داخل شود در عرصه قصر پس او
گمان کرد که اب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد
پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه

این عرصه ایست نومر از شیشه ساخته اند و اب نیست بلقیس کفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستیدم و اسلام اوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندیکه پروردکار عالمیان است و علیّ بن ابراهیم نیز روایت کرده است که پس سلیمان او را بعقد خویش در اورد و شیاطین را حکم فرمود که چیزی بسازید که موها را از پای وی زایل سازند پس حمام ها بعمل اوردند و نوره را برای او ساختند پس حمّام و نوره از چیزهائیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین اسیائی که اب میکردانند در زمان ان حضرت بهم رسید پس معلوم شد که اوّل اسیائی که ساخته شد جنّیان ساخته بودند و در حدیث امده که چون بخواهید نوره بکشید در وقت ان انکشت خود را محاذی بینی برده بکوئید اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنّوره و سلیمان اوّل کسیست که داخل حمّام شد و اوّل کسیست که بلغت ادمیان و جنّیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن کفت و متکلّم کشت و اوّل کسیست که بر بساط نشست و عالم را سیر کرد و طواف کرد اوّل کسیکه بپارسی سخن کفت هوشنک شاه بود اوّل کسیکه با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین بوده باشد اوّل کسیکه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ کفت و یاد نمود سلیمان بود اوّل کسیکه سر نامه را مهر زد وی بود اوّل

کسیست که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید در بخبر آن
جنابش جامهای مصری سفید بر خانه کعبه پوشانید اوّل
کسیکه مثله کرد ضحّاك بود و اوّل کسیست که تازیانه زد و اوّل
کسیست که مردمان را بر دار کشید اوّل کسیکه در شکم مادر
چهار ماهه بیش نزیست و چهار ماهه متولّد شد دی یوناك
پادشاه چین بود در ناسخ اوّل کسیکه از بطن مادر ختنه کرده
بیرون آمد لوط نبی ع بود در رابع بحار الانوار است از امیر
المؤمنین ع روایت میکند که فرمودند بمردی از یهود أنتم
تقولون انّ اوّل عین نبعت علی وجه الأرض العین التی فی
بیت المقدّس وکذبتم هی عین الحیوة التی غسل فیها یوشع بن
نون السّمکه فهی العین التی شرب منها الخضر ولیس یشرب
منها احد الا حیّ وانتم تقولون انّ اوّل شجرة نبتت علی وجه
الأرض الزّیتون هی الشّجرة العجوة التی نزل بها آدم من الجنّة
معه اوّل من عملت له السّیاط الاصبحیة حارث بن مالك بن
زید فی سبائك الذّهب اوّل من ملك فی بنی عباد القاضی
محمّد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائك الذّهب
اوّل کسیکه در علم طب سخن گفت اسقلیوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیّت کرد که این صنعت را بغربا و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزّت و شرف این علم مخصوص خاندان او باشد و رای او
در علم طب تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدّت

هزار و

هزار و چهارصد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طبی بر
این منوال بود در روضة الانوار اول سریکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمرو بن الحمق الخزاعی بود که امیر المؤمنین ع او را خبر داده
بود در ناسخ اول کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لواء پیغمبر در دست اوست و صاحب
لواء مقدم است در حق الیقین اول کسیکه در غدیر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بود گفت بخ بخ لك یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة اول کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هندوستان لوای سلطنت بر
افراشت کشن بن یورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اول کسیکه آهنگری و درودگری بوجیم تلقین کرد براهمن از
نسل بنك بن هند بن حام بن نوح ع بود در ناسخ اول کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشن بن هند بود
اول شهریکه در هندوستان بنا کرد شهر اوده بود در ناسخ اول
بنای نیکوئی در ارض بنا شد بهشت شداد بن عاد بود بمصداق
آیه کریمه إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ اول
کسیکه اختراع ساز و چنگ و سلاح نبرد نمود قالع بن عابر ع
بود و قالع قاسم را گویند اول کسیکه بمرض فجاء بمرد داود ع
نبی بود که بر صخره رحلت کرد فی رابع بحار الانوار اول زبانی
که آدم و اولادش بدان تکلم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

اوّل کسیکه امر کرد بوضع زر بفت بهمن بن اسفندیار بود اوّل
ایه که بر رسول خدا نازل گشت ایه اقرأ باسم ربک الذی خلق
بود در حیوة القلوب اوّل کسیکه بپرسش بد و تحیّت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السّلام فرستاد بنحو انعم صباحا و
ابیت اللعن در ناسخ اوّل کسیکه سپاه نشانید در هر هزاری دارا
کیانی بود اوّل پادشاهیکه دامن عصمت را از شهوت بمعصیت
ملوّث کرد خسرو بن پلاش بود که با خواهر خود زنا کرد اوّل من
امر بتصنیف کتب الجدل فی الرّد علی الزّنادقه والملحدین محمّد
مهدی عبّاسی بود که سوم خلفاء است فی سبائک الذهب اوّل
کسیکه کمربند اختراع کرد و بر کمر بست اردشیر بن ساسان بود و
اوّل کسیست که جاسوسان در عالم گذاشت اوّل کسیکه سبزیها
در سفره گذاشت کیخسرو بن سیاوش بود اوّل کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کوره گداخت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامک بن کیومرث بود در ناسخ و اوّل کسیست که
سگان تازی را صید کردن آموخت و اوّل کسیست که کلاب را
برای حفظ رمه معیّن ساخت و اوّل کسیکه خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اوّل کسیکه زر و سیم و معادن برآورد
و جواهر شاداب استخراج کرد و اوّل کسیکه قطع شجر آموخت
و اوّل کسیکه پرداختن تخته و درب ساختن آموخت و اوّل
کسیکه تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خرد نهاد که اوّل

مرتبه کنجور بن اسفندیار که یکی از وزرای سلاطین عجم است
فارسی قدیم بزبان متداول ترجمه کرد و حسن بن سهل برادر
ذوریاستین که وزارت مامون عبّاسی داشت بزبان عربی نقل
نمود و استاد عالم ابو علی مسکویه بالحاق حکمتهای فرس و هند
و روم و عرب آنرا انجام داد و نام آن آداب العرب والفرس نهادٌ
و فقیر آنرا دیده ام و مطالعهٔ آن دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس و کمال و فهم و فضل و دانائی او و این کتاب را هوشنگ
برای پند واندرز فرزند خود و دیگر ملوک که از پی او سلطنت
کنند نگاشت مؤلف گوید همانا عبارت بعضی کلمات آن
کتاب اینست که میفرماید از خداست آغاز و بدوست انجام
و بدوست توفیق و اوست ستوده کسیکه شناخت آغاز
را شاکر شد و کسیکه شناخت انجام را مخلص شد و کسی
که فضل و کرم او را دانست موافقت و انقیاد پیشه کرد
و از راه مخالف برکنار آمد اگر بخواهم تمام نصایح بنگارم از
مقصود خارج خواهیم شد اوّل کسیکه داروها برای رنج
اسب بساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اوّل کسیکه
پوشش از پوست سمور و سنجاب و دیگر جلود کرد و دیگرانرا
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اوّل شهرے که در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافث بن نوحؑ بود که بنائے
او مشتهر شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اوّلنا محمّد واٰخرنا محمّد واوسطنا محمّد وکلّنا محمّد فی شرح
الزّیاره وغیره اوّل کسیکه کاسهٔ چوبی ساخت ازبرای آشامیدن
آب وغیره قینان بن انوش بن شیث علیه السّلام بود اوّل کوهی
که وضع گشت بر روی زمین کوه ابوقبیس بود در کشکول شیخ
یوسف اوّل مسجدی که بنا شد مسجد الحرام بود فی کشکول اوّل
کسیکه در زمان جاهلیّة مال خود را در راه خدا داد عبد المطّلب
در روضة الصّفا اوّل من تکلّم بالعربیّة عابر اعنی هود النّبی علیه السّلام
اوّل کسیکه بزبان عربی سخن گفت یعرب بن قحطان بن هود ع بود
و خود گوید   انا ابن قحطان الهمام الاقبل   یا قوم سیروا فی الرّعیل
الأوّل   انا البدء فی اللسان المهمل   المنطق الأبین غیر مشکل
در ناسخ اوّل کسیکه طبل و نقارات و درای وضع کرد دیوکان هوشنگ و
شی بود در ناسخ اوّل کسیکه در یمن درجه سلطنت یافت و
از جمله ملوک بزرگ شمرده شد حارث رائش بود و او پسر قیس
بن ضیفی بن سالار بن سبا الاصغر بن حمیر بن سبا الأکبر در
ناسخ اوّل کسیکه در مهد سخن گفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاریخ مناهج الطّالبین اوّل کسیکه علم نیرنجات
و سیمیا در عمل آورد کیقباد شاه بود در مناهج و اوّل کسیست
که در راهها فرسنگ و میل تعیین کرد ه اوّل کسیکه در جهان
گریه و ناله کرد حضرت آدم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام بود
اوّل کسیکه در عالم مرثیه گفت کیکاوس بود جهت پسر خود سیاوش

بل اوّل
فی صف اوّل
سرسید

در مناهج اوّل کسی که از ملوک خلایق را وعظ گفت کیخسرو بن
سیاوش بود در مناهج اوّل العلم معرفة الجبّار واخر العلم تفویض
الامر الیه فی امثله عرب اوّل کسیکه جمع کرد مردم را در نماز جنازه
بر چهار تکبیر عمر بن الخطّاب بود و حال آنکه رسول خدا فرموده
بود بر جنازه پنج تکبیر بگویند چنانچه ابن بطّه گفت پیغمبر
صلّی الله علیه و آله بر نعش حمزه سیّد الشّهداء پنج تکبیر گفت در صحف
اوّل کسی که از اهل بیت اطهار شهید شد عبد الله بن مسلم بن
عقیل بود فی مخزن البکاء للبرغانی و روضة الصّفا اوّل کسیکه
در روز عاشورا تیر بجانب امام حسین علیه السّلام افکند
عمر بن سعد بود گفت گواه باشید که اوّل کسیکه بطرف لشکر
امام حسین علیه السّلام تیر انداخت من بودم شخصی از شیعه
آن جناب جواب داد که اوّل کسیکه از این مردم بدوزخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصّفا اوّل کسیرا که در روز قیامت
بطلبند و در پیشگاه حضور خود خوانند حضرت نوح علی نبیّنا
و علیه السّلام خواهد بود پس از او بپرسند که آیا تبلیغ رسالت
کردی گوید بلی گویند که گواهی میدهد از برای تو گوید محمّد بن
عبد الله ص پس نوح بیرون آید و پا بر سر مردم گذارد تا بیاید
بنزد محمّد صلّی الله علیه و آله و او بر روی تلّی از مشک و علی
نیز با او باشد و این است معنی قول حق تعم فَلَمَّا رَاَوْهُ زُلْفَةً سِیئَتْ
وُجُوهُ الَّذِینَ کَفَرُوا یعنی چون ببینند علی را صاحب قرب و

منزلت نزد حق تع و بر بالای تل مشك در خدمت رسول
خدا ببینند متغیر کردد و سیاه کردد روی کافران پس نوح کوید
یا محمد حق تع از من کواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوی ص
کوید ای جعفر و ای حمزه بروید و کواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق ع فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهد انبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان راوی یوسف بن ابو یوسف است کفت فدای تو شوم
علی در انوقت کجا است حضرت فرمود شان و منزلت و جاه علی
از آن بالاتر و بزرکتر است که او را برای کواهی انبیاء بفرستند
در غایة المرام و حق الیقین وغیره اوّل خلافیکه در اسلام شد
منع از کاغذ و قلم بود برای پیغمبر و این اوّل فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام بهم رسید در حق الیقین اوّل کسیکه ردّ شمس
از برای او شد یوشع بن نون نبی ع بود چنانچه در ادعیه و خبر
رسیده یا راد الشمس لیوشع بن نون نور الشمس بعد غروبها
و در روایت دیکر اوّل کسیکه ردّ شمس برای او شد سلیمان بن
داود ع بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعشی الصافنات
الجیاد و یاد کردان وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
پسین اسبان نجیب بر سه دست و پای ایستادند و از یکپا سر
سم را بر زمین میکذاشتند نیك رفتار و تند رو بودند و کفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود ع بان حضرت رسیده

بود و بعضی گفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
آن جناب بیرون آمده بودند فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ
حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ یعنی پس گفت بدرستی که من دوست
میداشتم اسبان را تا پنهان گشت آفتاب در پرده یعنی پست
شده یا غروب کرده رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ
یعنی برگردانید اسبان را بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
گردن اسبها یا آنکه برگردانید آفتاب را برای من پس مسح کرد
ساق و گردن خود را برای وضو و نماز کرده وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمان را و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم گفته است در تفسیر این آیات
که سلیمان اسبان را بسیار دوست می داشت و مکرر میطلبید
و بر او عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا آفتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عارض شد پس دعا کرد که حق تعالی آفتاب را برای او
برگرداند که صلوة عصر بکند پس برگشت آفتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر گردن آنها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تعالی فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اول کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد آدم
علی نبینا و آله و علیه السلام بود در طلب حوا هفت مرتبه

از صفا بمروه آمد و برگشت باین سبب مقرر شد که هفت
شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند در
حیوة القلوب امیدوار هستم که خداوند متعال نصیب نماید
که مشرف شوم اول نانی که آدم بخورد کماج بود در مناهج الطالبین
اول ملوک البحیره من بنی فهم خذیمه الدرش ابن مالک فی
سبائک الذهب اول من مشت الرجال بین یدیه بالسیوف
المرهفة موسی الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائک
الذهب اول اسبی نامدار که در ایام عرب پدید آمد اسبی بود
از اسبان سلیمان ع و سبب آن بود که قومی از جانب عمان برای
ساختن مهمات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
بانجاح مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل
رساند سلیمان ع اسبی بدیشان داد و گفت مردمان بهر
منزل که فرود آئید چندانکه خواهید باو صید کنید که
هیچ صید از او نجهد ایشان بهر منزل که فرود میآمدند
چندان صید میگرفتند که ایشانرا کفاف دهد آن اسب
را زاد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
عرب از آن وقت پدید آمدند فی نفائس الفنون محمود
الدین اول کسی که سواره گوی باخت طهمورث بود در مناهج

الطالبین

واوّل کسیستکه باز بشکار انداخت واوّل کسیستکه پارسی نوشت
واوّل کسیست که مردمان را بر اسب سوار کرد واوّل کسیست که
استر پدید کرد اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی کرد جمشید
بود در مناهج واوّل کسیستکه دیوان و علم حساب ظاهر گردانید
واوّل کسیست که از آهن سلاح فرمود و پیش از آن سلاح از چوب
و سنگ داشتندی واوّل کسیستکه شمشیر فرمود ساختند و
اوّل کسیست که جوشن و خود بنیاد نهاد واوّل کسیست که زین
بر اسپان نهاد واوّل کسیستکه کرباس فرمود بافتند و پیش
از آن جامها از پشم و پوست جانوران می پوشیدندی اوّل
کسیستکه بفرمود پنبه کاشتند و برشتند و بافتند واوّل
کسیستکه رنگها در جهان پدید آورد پیش از وی هیچ رنگی در
عالم نبود در مناهج الطالبین واوّل کسیست که منشار بر سرش
نهادند اوّل کسیکه از اصحاب حضرت سید الشهدا ع
بمبارزت شهید شد حرّ بن یزید الرّیاحی بود در بحار الانوار
از عبد الله بن عبّاس روایت است که اوّل ما نزل به جبرئیل
علی محمد ص قال استعذ با یا محمّد بالله السّمیع العلیم من الشّیطان
الرّجیم ثمّ قال بسم الله الرّحمن الرّحیم اِقْرَءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ
خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ فی نفائس الفنون محمود الدّیلمی اوّل
کسیکه شهرها در اسلام بنا کرد حجّاج بن یوسف ثقفی بود در
زهر الرّبیع اوّل کسیکه کاغذ ساخت یوسف علی نبیّنا و آله و

علیه السّلام بود اوّل کسیکه سر راه بر حسین ع گرفت حرّ بن یزید
الرّیاحی بود در روضة الصّفا بخدمت امام حسین مبادرت
نمود گفت ای قرّة العین البتول اوّل کسیکه بر تو خروج کرد
من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اوّل کسی باشم که پیش تو جان
فدا کرده باشم اوّل کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کیقباد
بود در روضة الصّفا اوّل کسیکه اره ساخت ذوالقرنین بود
اوّل کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خاقان دهخت
چین بود و اوّل کسیست که غلامان را خصی کرد و خواجه سرا پدید
آورد فی مناهج الطّالبین اوّل خلیفة استخلف سلطان الواثق
بالله هرون قال السّیوطی فی کتابه و فی سبائک الذّهب اوّل
خلیفة ولی الخلافة فی مصر من بنی العبّاس احمد المستنصر فی
سبائک الذّهب اوّل کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
روز عاشورا علیّ بن الحسین ع بود که امام عصر عجّل الله فرجه
در زیارت ناحیه میفرماید السّلام علیک یا اوّل قتیل
من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اوّل من تسمّی
ابراهیم ابراهیم علی نبیّنا و آله و علیه السّلام و هو اوّل من
استنشق بالماء و هو اوّل من شاب و هو ابن مائة و خمسین سنة
قیل لمّا اتی علیه ستّة تکلّم و هو اوّل کلامه فقال ع یا امّاه من
ربّی قالت انا قال ع و من ربّک قالت ابوک قال ع و من ربّ
ابی قالت نمرود قال ع و من ربّ نمرود فلطمته و قالت اسکت

وهو اوّل من هاجر من وطنه فی طاعة الله تعم حفظا لایمانه حین سالہ النمرود وهو اوّل من جرّد من ثیابه فی سبیل الله فلذا کساه الله تعم فی ذلک المحل قمیصا من الجنة اوّل کسیکه نامید شد موسی موسی علی نبینا وآله وعلیه السلام بود پس از آنکه آسیه یافت او را او نام او را موسی نهاد و بلغة عبری موشہ است زیرا که یافت او را میان آب و درخت و مو در لغة عبری ماء است و سو و شہ و سا در لغة عبری شجر است اوّل من سمّی محمد او احمد رسول الله صلی الله علیه وآله واوّل عین نظر الی الله عزّ وجلّ هو النبی وهو اوّل الانبیاء فی الخلق وآخرهم فی البعث فی نزهة النواظر اوّل نذیر من النذر نوح النبی عم قال السید مومن الشافعی فی نور الابصار فی ذکر النبی صلی الله علیه وآله وامّا امراؤه فمنهم باذان بن ساسان من ولد بهرام امّره علی الیمن وهو اوّل امیر فی الاسلام علی الیمن وهو اوّل من اسلم من ملوک العجم وفیه لم یتزوّج علیّ علی فاطمة حتی ماتت وکانت اوّل ازواجه قال ابن عبّاس لیس آیة من کتاب الله تعم یا ایها الذین آمنوا الّا و علیّ اوّلها وامیرها وشریفها فی نور الابصار الشافعی ابان بن عثمان عند العایشة فی حرب الجمل فقیل وکان اوّل من انهزم اوّل من اذن لرسول الله صلی الله علیه وآله بلال بن رباح ولم یؤذن بعده لاحد من الخلفاء الا عمر لما فتح الشام اذن بلال فذکروا الناس النبی فبکوا بکاء شدیدا فی

نور الأبصار للسيد مؤمن الشلبنجي الشافعي اوّل من ملك من آل عثمان في ممالك الرّوم الأمير عثمان الغازي بن الامير ارطغرل بن سليمان شاه في اخبار الدول وكان السّلطان اورخان بن السّلطان عثمان خان بنى بازنيق جامعاً ومدرسة وهي اوّل مدرسة بنيت في الدّولة العثمانيّة في اخبار الدّول ابي جعفر المنصور عبد الله بن محمّد العبّاسي اوّل ما فعل ان قتل ابا مسلم الخراساني وهو اوّل خليفة المنجّمين وعمل باحكام النجوم وهو اوّل خليفة ترجمت له الكتب السّريانية والاعجميّة بالعربيّة ككتاب كليله ودمنه واقليدس وهو اوّل من رخّم الحجر قال صاحب تاريخ الدّول قرماني وفي سنة ثمان وخمسين ومائة شكى النّاس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التي حوله حتّى زاد فيه وعمّر مسجد الخيف بمنى ورخّم الحجر وهو اوّل من رخّمه محمّد مهدي امر بعمارة طريق مكّة وقصّر المنابر وصيّرها على مقدار منبر رسول الله صلعم وهو اوّل من حجّر القصر وعيّنه لاهل الحرمين محمّد ابو عبد الله بن المتوكّل وهو اوّل خليفة احدث الرّكوب بحلية الذّهب وكان الخلفاء قبله يركبون بالحلية الخفيفة من الفضّة اوّل من ملك منهم بالمغرب ابو محمّد عبيد الله المهدي اوّل من ضرب على الخمر ثمانين جلدة وهو اوّل من حرّم المتعة وهو اوّل من نهى عن بيع امّهات الأولاد وهو اوّل من جمع النّاس في صلوة الجنائز على اربع تكبيرات اه هو

اوّل من نصب القضاة فی الامصار فی اخبار الدّول واخرج البخاری فی تاریخه عن ابن المسیّب قال اوّل من کتب التاریخ عمر بن الخطّاب بسنتین ونصف من خلافته فکتب لستّة عشرة من الهجرة بمشورة علی، واخرج بن سعد عن شدّاد قال کان اوّل کلام تکلّم به عمر حین ولی الخلافة وصعد المنبر ان قال اللهمّ انّی شدید فلیّنّی وانّی ضعیف فقوّنی وانّی بخیل فسخّنی اوّل المهاجرین عثمان فی اخبار الأول اوّل من کتب باسمک اللهمّ امیّة بن الصّلت الثقفی فی تاریخ الدول اوّل من سکن الارض امّة یقال لهم الجن والبن نزل علی آدم عشر صحائف فی عشرین ورقة وهو حروف المعجم وهی اوّل کتاب فی الدّنیا فی تاریخ الدّول اوّل شیء اکله آدم فی الجنّة العنب واخر شیء اکله قبل الحنطة العنب فی تاریخ الدّول اوّل من کتب بالخطّ العربی عبد الضخم بن ارم بن سام بن نوح علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود فی سبائک الذّهب اوّل ملوک کیانیه کان کیقباد فی اخبار الدّول وآثار الأوّل اوّل من اتّخذ انواع الاطعمة وقسم الغنایم علی جیوشه هوراب بن طهماسب فی اخبار الدّول اوّل من نظر فی علوم النجوم والحساب ادریس علی نبیّنا واله وعلیه السّلام وهو اوّل من سبی من ولد قابیل بن آدم فاسترقّهم فی تاریخ ابن اثیر وحضرت ادریس اوّل کسیست که خط نوشت در تاریخ ابن اثیر وآنچه در مناهج جار الله الطلالی است باری تعالی زکتب

سماوی سی صحیفه بدو فرستاده همه را بخط خود نوشت و اوّل
کسیستکه رسم جهاد و غزا از نهاد در راه خدا و در تقویت شرع شمشیر
زد در مناهج الطالبین و اوّل کسیستکه جامه دوزی کرد برای
بنی آدم در حدیث آمده که بر هر دوزی تسبیحی میگفت و پیش از
وی کسی جامه بریختن و دوختن را ندانستی پوست چهارپایان
بر قامت راست کردی و در خویشتن پسندی و پیراهن و زیر
جامه را آن جناب ساز کرد مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه
فرمود ای پسر عبّاس اوّل سخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمّد نظر کن بزیر خود چون نظر کردم دیدم که حجابها
شکافته شد و درهای آسمان کشوده شد الخ اوّل کسیکه قرآن
را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علی بود در حق
الیقین اوّل کسیکه وضع لغت و خط عربی کرد اسمعیل ع
بود در نفائس الفنون اوّل کسیکه در ترکیب اغذیه و تدبیر
ادویه مستحدثات بدیع اندوخت مرا یاد که اوّل سلاطین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ و غیره و اوّل کسیستکه پشم
از گوسفند باز کردن آموخت اوّل کسیکه علم فال بینی که
مانند رمل چیزیست اختراع کرد اوّل ارطبقه دوّم جین
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتاب انشاء
کرده و مرتّب داشت و اوّل کسیست که شیوهٔ زنا شوئی و
زفاف بمیان آورد و اوّل کسیستکه برای صید ها دام ساخت

اوّل

اوّل کسیکه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین ع بود که ابا اسود دئلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السلام حضرت رقعه بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرّحمن الرّحیم الکلمة ثلثة
اشیآء اسم وفعل وحرف جاء لمعنی فالأسم ما انباء من المسمّی و
الفعل ما انباء عن حرکة مسمّی والحرف ما اوجد معنی فی غیره
ابو الأسود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکو و احکم با او بد
که من نمیدانم فائده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود
من شنیده ام در بلاد شما غلط فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسیم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
آن جماعت ابو الأسود گفت وفقنا بربك یا امیر المؤمنین للصوآب
فی زهر الرّبیع للسیّد الجزائری اوّل چیزیکه قوم هود را بر وقوع
عذاب شریف و تنبیه کرد باد بود که در ابتدا ایشان را که نگاه
کردند مردان و کودکان و چهارپایان را دیدند که در هوا
بین الأرض والسّمآء پرواز کردند و باد سنگها را از زمین
بهوا پرّان می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد و مناهج الطّالبین اوّل کسیکه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن اثیر و مناهج و غیره است قابیل چون
هابیل را بکشت ابلیس بیامد و گفت دانی که آتش چرا قربانی
برادر ترا قبول کرد و از آن تو را نه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجده کن

تا از تو خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قابیل بقول
شیطان رجیم عمل کرد اوّل سخنی که هوشنگ در جلوس سلطنت
گفت این بود که ما بخدائیم خوشنود و بر خشمیم از برای بخدا دیو
و شیطان و اوّل کسیکه ملقّب به پیشداد شد در مناهج که
از غایت معدلتش باین لقب خوانده شد و اوّل کسیکه فرش و
زیلو و قالی بر زمین انداخت و اوّل کسیست که بر تخت جلوس کرد
پیش از آن شاهان را این رسم و آئین نبود در مناهج و اوّل کسی
است که مرده را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی باسانید معتبره
نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام که از
حضرت رسول خدا پرسیدند که بچه سبب تو سبقت
گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه
مبعوث شدی فرمود زیرا که من اوّل کسی بودم که اقرار به
پروردگار خود کردم و اوّل کسیکه جواب گفت در وقتیکه
حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان
را بر نفسهای ایشان که گفت أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی آیا نیستم من پروردگار
شما گفتند بلی پس اوّل پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت
گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اوّل کسیکه روز
عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در
زیارت ناحیه اگر خوانده باشی آقا میفرماید وکنت اوّل من
شری نفسه و اوّل شهید شهد الله وقضی نحبه اوّل کسیکه

سنت نهاد دو رکعت نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
کبار اصحاب سیّد مختار بود عن ابو هریره اوّل من سنّ الرکعتین
عند القتل لانه قتل جبرا خبیب در غزوهٔ رجیع اسیر گشت بمکّه
آوردند منافقان فروختند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید
نماید در ناسخ اوّل کسیکه گفت انا لله وانا الیه راجعون
امیر المؤمنین علیه السّلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیار
پس از آنکه خبر قتل جعفر بسمع امیر المؤمنین علیه السّلام رسید
فرمود انا لله الخ و در نور العین و در ضیاء التفاسیر از میر محمد
صادق موسوی خوانساری آمده در حدیث است که بشّر
الصّابرین در حق امیر المؤمنین علیه السّلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از موته آوردند حضرت فرمود انا
لله وانا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیر المؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعم فرمود من این را سنت کردم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتدا بوی کند من صلوات و
رحمت نامتناهی باو کرامت فرمایم عبد الله بن عباس گفت که
اوّل چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اوّل کلمه
که قلم بفرمان حضرت باری تعم بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرحمن الرحیم انی انا الله لا اله الّا انا و محمّد صلّی الله علیه و آله
رسولی من استسلم بقضائی و صبر علی بلائی و شکر علی نعمائی

ورضی بحکمی بعثته یوم القیامة مع الصّدیقین ومن لم یتسلم
بقضائی ولم یصبر علی بلائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بحکمی
فلیتخذ الهاً سوائی بعد از آن انچه در علم الله مقدّر بود در شان
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت کردانید
اوّل خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در آن روز ربع
مردم کشته شدند قاله المجلسی فی حیوة القلوب اوّل من
کتب الشرح المزجی من اصحابنا هو الشهید الثانی ره فی روضات
الجنّات مؤلف این وجیزه کوید که اوّل کسیکه شرح مزجی
نوشت از علمای امامیه خواجه نصیر الدین طوسی بود واکنون
آن شرح حاضر است کویا بنظر مصنّف روضات نرسیده باشد
اوّل کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
مملکت او را مسلّم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
وخدای جلّ جلاله را حمد وثنا کفتی در مناهج الطّالبین
مؤلف کوید خطبهٔ غرّا را بلسان سریانی املا کرد بزبان
عربی این الفاظ امده الحمد لله الذی منّ علینا بکرامته واصطفی
بدینه وامانته احمده علی الائه ونشکره علی نعماء الذی علی
انبیائه یقول دعوته وشمول نعمته عباد الله انتبهوا من
نومة الغفول واستقیظوا من رقطة الذهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبّت من البوار علی بغات زمانکم
والمجاهرین بالعصیان جعوا الذین من البغی والخسار

حتی ابتلاهم الله بحرّ السیف وحرّ النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اوّل منجنیقی که در
دنیا ساخته شد منجنیقی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند در شهری
که او را کوثا میکویند در قریه که از اقطار امینا مند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجنیق نهادند و خواستند که
باتش اندازند جبرئیل آمد و کفت السّلام علیک یا ابراهیم
ورحمة الله وبرکاته آیا تو را حاجتی هست کفت امّا الیک
فلا بتو حاجتی ندارم پس در آنوقت ایزد منّان ندا کرد باتش
که سرد باش در حیوة القلوب اوّل کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید آمد وحال آنکه پیش از آن بیاض در لحیه
افراد انسان ظاهر نکشته بود چون پدید آمد ابراهیم مضطرب
کشت حقیقت الحال را از بارکاه احدیت سؤال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که بتو ارزانی داشتیم آن
حضرت مسرور کشت کفت اللهمّ زدنی وقارًا و اوّل پیغمبری
است که در راه خدا هجرت فرمود اوّل کسی را که روز جزا حلّه
خواهند پوشانید آن جناب خواهد بود و اوّل کسیست که
قتال بشمشیر کرد و قسمت غنیمت نمود و اوّل کسیست که سفرهٔ
ضیافت کسترد و اوّل کسیستکه مسواک کرد و اوّل کسیستکه
قطع موی لب کرد و اوّل کسیست که مضمضه واستنشاق
کرد و اوّل کسیست که فرق موی کندن وموی بغل وسترن

انز نمود و اوّل کسیست که ناخن چید و استنجا باب و پوشیدن
سراویل بیاموخت و اوّل کسیست که ختنه کرد در سبائک الذهب
وهو اوّل من صافح معانق فی سبائک اوّل کسیکه از مردان برسول
خدا صلعم ایمان آورد و بنبوّت او اقرار کرد علی بن ابیطالب علیه السلام
بود در حیوة القلوب و اوّل کسیکه از زنان بحضرت سید
انبیاء ایمان آورد و جمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
خدیجهٔ مجلّله بود اوّل جماعتیکه پیش از همه محشریان
که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
حواریون محمد ص و علی ع و امام حسن ع و امام حسین ع و علی بن
الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق می باشند در
بحار اوّل روزها نوروز است که در او آفتاب طلوع کرده است
و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و گلهای زمین
و شکوفها آفریده شده است در زاد المعاد اوّل کسیکه بعربی
تکلّم نمود حضرت اسماعیل بود در حبیب السیر امّا اکثر اهل
تحقیق گفته اند اوّل من تکلّم بالعربیّة یعرب بن قحطان بن
هود کما ثبت مؤلّف گوید بر ارباب دانش مکشوف باد که
تفریق بین الروایتین بدین طریق ممکن است که بگوئیم
اوّل کسیکه از اهل یمن بعربی تکلّم نمود یعرب بن قحطان بود
و اوّل کسیکه از متوطّنان مکه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
ذبیح الله بود اوّل کسیکه دار کشید و قطع اعضا کرد ضحاک

ماردوش

ماردوش بود فی اخبار الدّول واوّل کسیستکه مثله کرد وکوش
وبینی را برید واوّل کسیست که تازیانه زد فی ناسخ التّواریخ
واوّل کسیست که مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اوّل کسیکه
طنبور بساخت قوم لوط بودند اوّل کسیکه خندق ساخت
منوچهر بن ایرج بود وهو اوّل من وضع الدّهقنة وجعل لکلّ
قریة دهقانا فی اخبار الدّول اوّل کسیکه قرار داد نافله ماه
رمضان را بجماعت کنند وبشهرها نوشت که چنین کنند
وخانه رویبر ثقفی را سوزانید که نبیذ میفروخت عمر بود واوّل
کسیستکه عسس وشبگردی را اختیار کرد واوّل کسیستکه
تازیانه برای تادیب مردم مقرّر کرد ومیگفتند که تازیانه
باعمر مهابتش بیشتر از شمشیر حجّاج بود واوّل کسی بودکه عمّال
خود را جریمه نمود ونصف اموال ایشان را گرفت ومسجد حضرت
رسول صلعم را خراب کرد وزیاد کرد واز جمله آنچه داخل کرد خانهٔ
عبّاس بود اوّل کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون
خدای تعم وی را بیافرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت
سبحان الله هرکه بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر المعانی
اوّل کسیکه الحمد لله گفت آدم علی نبیّنا واله وعلیه السلام
بود وچون روح بقالب وی درآمد پرتوان بر منظر دماغ
افتاد آدم عم عطسه زد وگفت الحمد لله هرکه بگوید از فضل
آدم عم نصیبی یابد واوّل کسیکه لا اله الّا الله گفت نوح عم

نبی بود که چون طوفان از تنور آمد و نظر نوح بر هیبت و شدّت آن بلا افتاد لا اله الخ کفت هر که بکوید از ثواب نوح علی نبیّنا و اله و علیه السّلام بهره یابد در بحر المعانی اوّل کسیکه اَللّٰهُ اکبر کفت ابراهیم علیه السّلام بود که چون حق تعالی کبشی فدای اسماعیل فرستاد که فَدَیْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِیْمٍ و ابراهیم علیه السّلام کبش را دید کفت اَللّٰهُ اَکْبَرُ هر که بکوید از فیض ابراهیم قسمتی بوی رسد اوّل کسیکه لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ کفت حضرت رسالت بود که هر که بکوید شفاعت رسول اللّٰه دریابد در بحر المعانی اوّل کسیکه برای وی قرعه زدند مریم بنت عمران بود اوّل کسیکه بی واسطه ایزد متعال با او سخن کفت حضرت موسی علی نبیّنا و اله و علیه السّلام بود که متکلّم خدا شد اوّل کسیکه مصافحه کرد در روی زمین حضرت خلیل الرّحمن و ذو القرنین بودند چون مقابل یکدیکر رسیدند و ابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه کرد در حیوة القلوب اوّل کسیکه جهت اخراج املاک و ضبط املاک جریدها و حساب مرتّب داشت انوشیروان بن قباد بود و اوّل کسیست که درخت کل و مرزنجوش از بلاد روم بر ایران آورد و اوّل کسیست که جوارش کمونی فرمود ساختند اوّل چیزیکه قلم نوشت این بود اَنَا التَّوَّابُ اَتُوْبُ عَلٰی مَنْ تَابَ اوّل عضوی از اعضاء آدمی که خدا خلق کرد فرج بود ثمّ

قال هذا امانتی عندك فلا تضعها الا فی حقها اوّل قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح نجی الله بنا کرد وقتی
که بیرون آمد از کشتی و موسوم ساخت آنرا بثمانین خبر ائین و
سمیت باسم الثمانین والذین کانوا معه فی السفینه مؤلف
کوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی آمده سوق ثمانین
دیهی بوده است در پای کوه جودی که نوح پیغمبر بوقت آنکه
از طوفان خلاص شد ساخت و آن اوّل مقامی است که بر روی
زمین بعد از طوفان ساخته اند واکنون خراب است اوّل
حائطی که بعد از طوفان بروی زمین وضع کردید حائط حرّان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اوّل کسیکه تعیین ساعات
دوازده کانه را کرد نوح ع بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه کفته است ابن عبّاس اوّل کسیکه مسجد بنا کرد
عمّار بن یاسر بود و در او نماز کذارد اوّل کسیکه خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اوّل درختیکه نوح ع بعد از طوفان
غرس کرد شجره آس بود اوّل آیه که بر خاتم رسل نازل شد
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ بود اوّل کلمهٔ که حضرت رسول فرمود در
وقتیکه داخل مدینه شد اینست ایها النّاس اطعموا الطّعام
وافشوا السّلام وصلوا الأرحام وصلّوا باللّیل والنّاس نیام
فادخلوا الجنّة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنّات اوّل من اتخذ الخصیان

بخاص خدمته معويه اوّل من جعل القضاة الأربعة من كلّ
مذاهب قاضی القضات الطّاهر بيبرس بمصر فی سنة نيف
وسبعين وستّ مائة ثمّ جعل ذالك فی الشّام وحلب اوّل
کسيکه حفظ کرد قران مجيد را ابو الأسود الدّئلی بود بامر
عبد الملك بن مروان وقيل الحسن البصری اوّل من وضع
الهمزة والتّشديد والرّوم والاشمام الخليل عليه السّلام
اوّل کسيکه تصنيف کرد غريب القرآن را ابو عبيدة معمّر بن
المثنّی بود که اخذ کرده از اصليّه نافع بن الأزرق از ابن عبّاس
واوّل کسيست که تصنيف کرد غريب الحديث را وقيل النّضر
بن شميل اوّل کسيکه تصنيف کرد احکام قرآن را امام شافعی
بود اوّل من دوّن الحديث ابن شهاب الزّهری کما ذکره الحافظ
ابو النّعيم اوّل من صنّف فيه ورتّبه علی الأبواب مالك اوّل
کسيکه در علم رجال سخن کرد شعبه بود اوّل کسيکه تکلّم کرد
در مختلف الحديث وتصنيفی ساخت شافعی بود اوّل من
رتّب انواعه ونوّعه الأنواع المشهورة الان بن الصلاح فی
مختصره المشهوری اوّل کسيکه در مغازی تصنيف کرد
عروة بن الزّبير بود اوّل کسيکه او را شاهنشاه نام کفتند
عضد الدّوله ابو الشّجاع فنا خسرو بن حسن من آل بويه
بود واوّل کسيستکه بر منابر بغداد بعد از خليفه نام او
مذکور کرديد اوّل کسيکه از نقباء دوازده کانه با حضرت

رسالت بیعت کرد ابو الامامة بود اوّل کسیکه علم نحو را با
ارشاد والی امیر المؤمنین علیه السلام تدوین فرمود ابو الاسود
ظالم بن عمرو الدیلی البصری بود اوّل کسیکه از صحابه در روز
صفّین بدرجهٔ رفیعه شهادت رسید ابو السفاح البجلی بود ابن
داود گوید عبد الله بن علیّ بن ابی شعبة الحلبی اوّل کسیست که
از اصحاب حضرت امام جعفر الصّادق علیه السلام که در
فقه و حدیث امامیه تصنیف فرمود اوّل کسیکه در فقه
تصنیف کرد ابو حنیفه بود اوّل کسی که حدیث کوفیان را در
بلدهٔ قم منتشر ساخت شیخ ابراهیم بن هاشم الکوفی القمی بود
اوّل کسیکه از مجتهدان امامیه با مالک موافقت کرد در
آنکه آب قلیل بمجرّد ملاقات نجاست نجس نمیشود حسن بن
علیّ بن ابی عقیل العمّانی بود اوّل من قاس امر الدین برأیه
ابلیس اخرجه ابو نعیم فی الحلیة اوّل کسیکه در علم کلام
تصنیف ساخت ابو حذیفه واصل بن عطاء المعتزلی و
هو اوّل من سمّی معتزلیا و اوّل من قال الحق یعرف من وجوه
اربعة کتاب ناطق و خبر مجتمع علیه و حجة عقل و اجماع من
امة اوّل من صنف فی الأصول الفقه الشّافعی بالأجماع
اوّل من وضع اللغة علی الحروف الخلیل بن احمد بن تمیم
الأزدی البصری و اوّل کسیکه اختراع علم عروض کرد
و از اوزان شعر ساخت و منشاء اختراع او آن بود که

روزی در بصره در کوچه گازران میگذشت از کوفتن کدین
ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود گفت که ازینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نگرفته
باشد انگاه علم عروض را بر وجهی که در میان مردم شایع است
وضع نمود کذا فی تذکره عبد الله معتز اول کسیکه در ولایت
قم ساکن شد سعد بن مالک بود در کتاب خلاصة الاقوال
علامه مسطور است که علی بن اسماعیل بن شعیب الاسدی
الکوفی البصری اول کسیستکه بر قانون علماء کلام در مذهب
اهل بیت کرام تکلم نمود و در ان علم تصنیفی فرمود اول من
قصد القصاید مهلهل وقیل امرأة القیس اول من نظم
الشعر الفارسی ابو العباس بن جیود المروزی واین قول
سیوطی است مؤلف گوید دیده شده اول من قال الشعر
بلغة الفرس هو بهرام جور الملک المشهور حیث قال

منم آن پیل دمان و منم آن شیر یله | نام من بهرام گور و کنیتم بوجبله

اول کسیکه زبان بسخن موزون برگشاد هوشنگ داوم
پادشاه قدیم عجم بود در مجمع الفصحاء وقیل بل الاول
حفص
منهم ابو جعفر بن حوض بن سعد بن سمرقندی کان فی سنة
ثلثمائة والشعر هذا اهوی کوهی در دشت چگونه رودا
یار ندارد بی چگونه رودا اول کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنت اجتناب ورزید و به

ندارد یار بی یار چگونه رودا

تحصیل

بتحصیل علوم حکمت و کلام اشتغال نمود امیر صدر الدّین
محمّد الدشتکی الشیرازی ره بود اوّل کسیکه علم صرف را وضع
کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الهرآء النحوی الکوفی بود و اینکه
شیخ کافجی گفته که واضع آن معاذ بن جبل بود خطاء است در
مجالس المؤمنین اوّل شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس
بود منشاء صدور آن استبداد بود برای خود در مقابله
نص الهی و استکبار بماده آفرینش خود که آتش بود بر مادّه
آفرینش آدم که گل بود حیث قال أَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِی مِنْ نَارٍ
وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِینٍ مؤلف گوید از ائمّهٔ طاهرین مرویست
که فرمودند سجده و تعظیم بر آدم از جهت نور محمّد و آل محمّد
صلی الله علیه و آله اجمعین بود همه ملائکه سجده کردند
و پیشانی مسکنت بر زمین نهادند جز ابلیس کانه تکبر نمود

که خود را برازاو تصوّر نمود — بفرمود ایزد که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبر سبب — بگفتا کزین کار باید خوشم
که آدم ز خاک و من از آتشم — کجا خاک را سجده ز آتش خوش است

که آتش بطبع خودش سرکش است پس بر عارفان معلوم شد شیخ
ادیب اریب شاعر معاصر شیخ الرّئیس خراسانی حائری گوید
تا که شد از تارکش تاج تبارک واشرف قول کرّمنا بنی آدم شد
آدم را خطاب گشت مسجود ملائک آدم خاکی از آنک
داشت اندر جبهه نور پاک آل والاجناب ورنه بر آدم

ملك در حبشه ذا امر عجیب   نور وانکه سدة هناك انه شیئ عجاب
وایضاً اوّل شیعه که در ملّت محمدی علیه واله شرائف
التحیات بظهور رسید رمع بن بطاخ معروف بود چه او
نیز در مقابله نص حضرت رسالت پناهی که ائتونی بدوات
وقرطاس اکتب لکم کتابا لن تضلّوا بعدی یعنی بیاورید پیش من
دوات وکاغذ تا از برای شما چیزی بنویسیم که اگر بان عمل کنید
هرگز گمراه نشوید اوّل من صنّف فی البدیع وسمّاه بهذا الاسم
عبدالله بن المعتز اوّل کسیکه تصنیف کرد در معانی بیان
شیخ عبدالقاهر جرجانی اوّل کسیکه احداث کرد فلسفه و
حکمت رومی بود در زمان حضرت موسی اوّل من اشتهر بالفلسفه
ونسبت الیه الحکمه فلوطرخی بمصر اوّل من تکلّم فی الریاضیات
وافرده علما اوقلیدوس اوّل کسیکه حلّه را عمارت کرد و در
انجا نزول نمود امیر سیف الدوله صدقه بن منصور بن علی
بن مزید الاسدی اوّل کسیکه قاهره مصر را احداث کرد جوهر
غلام معز الدین الله علوی فاطمی اسماعیلی بود اوّل کسیکه
موصل را احداث نمود زواید بن بیوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس نوار دشیر بود ابن مقنع گویند که اوّل
شهریکه بعد از طوفان نوح بنا کردند وبانی آن معلوم نیست
اوّل کسیکه اخراج علم طب کرد ارسطالیس بود از اهل
استخر در عهد اردوشیر بن دارا بوده اوّل کسیکه وضع کرد علم

طب ۲۰

طبّ را بقراط بود اوّل کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را
عمر بن الخطّاب بود بمشورت مولای متقیان امیر المؤمنین
علیه السّلام در سال شانزدهم هجرت وهو اوّل من وضع اسم
الدّیوان لدفتر یکتب فی اهل الجیش واهل العطیّة کما فی الاوائل
وکانت توسّع فیه بعد ذلک فسمّی اتباع الملوک والامراء والحکّام
الدّنیویّه جمیعا باهل دیوان اوّل کسیکه جرجان را بنا کرد
یزید بن مهلب بن صفره بود اوّل کسیکه از سادات عظام
موسویّه در مشهد مقدّس رضوی نقیب شد سیّد طاهر بود
واز آن وقت تا این زمان نقابت موسویّه در نسل او باقیست
فی مجالس المؤمنین لمولانا القاضی نور الله الحسینی التستری
نوّر الله مرقده اوّل کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذو النّون مصری بود اوّل من
تغنّی ابلیس ثمّ زمزم ثمّ حوّا اورده فی الفردوس عن علی بن ابی
طالب علیه السّلام واوّل من دلّ علی ترکیب الأفلاک و
قدر مسیر الکواکب وکشف عن وجوه تاثیراتها ادریس علیه السّلام
ذکره الثعالبی فی لطائف المعارف قلت وفی اخبار الامامیّة
انّ اوّل من وضع علم الرّمل واخبر بالملاحم وکتب اختیارات
السّنة هو دانیال علیه السّلام اوّل من زاد فی الکتاب بعد
الحمد لله واسئله ان یصلّی علی محمّد صلّی الله علیه واله کان
هرون الرّشید اوّل کسیکه حکم بلعن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرکی قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات اوست زیاده از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف موجود است اول اسبی که در راه اسلام پی کردند اسب جعفر بن ابی طالب در موته بود چون مجادله کرد و از مرکب پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اول من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمك فی ایام السفاح وكانت قبل ذلك تكتب فی الدراج اول من خلع علی من ولاه من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر البرمكی حین ولاه الوزارة اول من مات حتف انفه رسول الله صلعم سید اجل مرتضی ره در کتاب مستفی این دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است

وكان ولی الامر بعد محمد　　علی وفی كل المواطن صاحبه
وصی رسول الله حقا وجاره　　واول من صلی ولدن جانبه

قال السیوطی اول من قال جعلت فداك ابن عمر قیل علی بن ابیطالب قلت وكلا امر ذلك منتزع فی مجالس مخاطبة مع رسول الله صلی الله علیه واله كما نقل عن صاحب الكشاف اول کسیکه آجر را پخته کرد هامان بود و اول کسیکه انصار را بر خلاف سعد بن عباده داشت خزیمه بود که او گفته علی

علیه السّلام در خانه ساکن شده بتعزیه رسول خدا مشغول شد و قریشی دیگر لایق اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی ره در کتاب امالی از قیس بن سعد روایة نمود قال سمعت علیّ بن ابیطالب علیه السّلام یقول انا اوّل من یجثو بین یدی الله عزّ وجلّ یوم القیمة للخصومة یعنی حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که من اوّل کسی خواهم بود که نزد خدای تع جهة خصومت بمخالفان خود زانو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت علی ع سؤال کرد از اوّل زنیکه دامن خود را بر زمین کشانید فرمود هاجر بود هنگامیکه فرار کرد از دست ساره و سئل عن اوّل من جرّ ذیله من الرجال قال قارون اوّل کسیکه نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسی که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن سعد بن ثعلبة الخزرجی الانصاری بود در تواریخ الائمه اوّل کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد براء بن معرور انصاری بود و اوّل کسیستکه رو بکعبه نماز کرد و اوّل کسیستکه بثلث مال خود وصیّت نمود اوّل سری که در اسلام از شهری بشهری بردند سر عمر بن الحمق الخزاعی ره بود که زیاد از تن جدا ساخت و بنزد معاویه فرستاد اوّل کسیکه خواند در آخر خطبه إِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الخ عمر بن عبد العزیز بود اوّل کسی

که قرائت کرد در آخر خطبه إِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتَهُ الخ مهدی عباسی بود اوّل کسیکه تمنّای مرگ کرد یوسف نبی بود قال السیوطی اوّل من نقل من قبر الی قبر علیّ بن ابیطالب تم قلت وهو باعتقاد المخالف لما هو الحق والتحقیق ثم قال اوّل من اتخذ الکیمیا قارون وهو ایضاً اوّل من لبس الثیاب الحمر ومن اطال الثیاب وسحبها کما ذکره الثعالبی اوّل زنیکه رسول خدا تزویج کرد خدیجه بنت خویلد بود اوّل از پسران آدم صفیّ الله قابیل بود اوّل فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء اوّل قضیّة ردّت من قضاء رسول الله علانیة دعوة معاویة زیاداً اخرجه ابن عساکر عن سعید بن المسیّب وغیره واخرج عن عمرو بن نعجه قال اوّل ذلّ دخل علی العرب قتل الحسین علیه السلام و ادعاء زیاد اوّل هاشمیّة ولدت هاشمیّة ولدت الهاشمی امّ علیّ بن ابیطالب علیه السلام فاطمة بنت اسد اوّل من بنی السجن فی الاسلام علیّ بن ابی طالب علیه السلام وکانت الخلفاء قبله یحبسون فی الدیار اوّل من استخرج الخمر فی زمن نوح النبی علیه السلام وهو اوّل من اتخذ الکلاب للحرسه اوّل من اتخذ الجار بالجار والولی بالولیّ مروان بن الحکم اوّل ذنب عصی الله به الحسد اوّل من اتخذ السلاح وجاهد واسترق الرقیق ادریس علی نبیّنا وآله وعلیه السلام بود اوّل من قاتل فی سبیل الله ابراهیم علیه السلام حیث اسر لوط والرو

ضرا ابراهيم حتى استنقذوه منهم وهو اول من عمل القتبّ كما عن
ابن عباس وعنه ايضا اول من ركب الخيل اسماعيل وكانت
قبل ذالك وحشا اول ما يرفع من هذه الامة الحياء والامانة
عن النبوّة قال في زينة المجالس ان اول من سجد الى آدم
من الملائكة سجدة تحية اسرافيل فكتب الله على جبهته كل
القران اول من اتخذ الجهجان افريدون في كامل البهائي
اول من ارتج عليه في الخطبة عثمان اول من خطب جالسا
حين كثر شحمه وعظم بطنه معاوية اول من استراح في الخطبة
يوم الجمعة عثمان بن عفان في كتاب السيوطي وهو اول
من خطب في العيد قبل الصلوة واول من فوض اخراج
زكاتهم اول غزوة غزاها رسول الله صلى الله عليه وآله
بنفسه غزوة ودان في صفر من السنة الثانية قبل بدر و
لم يحصل منها طلاق قال الغزالي في كتاب احياء العلوم
اول من سنّ دعوة المبتدعة بالمجادلة الى الحق علي بن ابي
طالب عليه السلام وقد ناظره الملحدة في مناقضات
القران في كتاب صراط المستقيم للشيخ نور الدين علي البيا
رد قال رسول الله صلى الله عليه وآله اول من ياكل من
شجرة طوبى علي بن ابي طالب عليه السلام ايضا فيه قال
علي حين بلغه انه يكذب علي من اكذب على الله تعالى
فانا اول من عبده ام على رسول الله فانا اول من صدقه ايضا

فيه عن سلمان قال النبي صلى الله عليه واله اولكم ورودا على
الحوض اولكم اسلاما علي بن ابي طالب عليه السلام ايضا
فيه عن ابو ذر قال النبي لعلي صلوات الله عليهما انت اول من امن بي
ايضا فيه عن زيد بن ارقم قال اول من صلى مع النبي صلعم علي
بن ابيطالب عليه السلام ايضا فيه قال خزيمة في ابيات
اذا نحن بايعنا على فحسبنا   ابو الحسن مما نخاف من الفتن
الى قوله واول من صلى مع الناس كلهم   سوى خيرة النسوان
والله ذو المنن ايضا فيه وقال كعب بن زهير حمد النبي وخير
الناس كلهم   فكل من واحد بالفخر مفخور صلى الصلوة مع الامي
اولهم قبل العباد ورب الناس مكفور وقال ربيعة بن حارث
عند البيعة ما كنت احسب ان الامر منصرف عن هاشم ثم عن ابي
حسن   اليس اول من صلى لقبلتهم   واعلم الناس بالاثار و
السنن الى قوله ماذا الذي ردكم عنه فنعلمه   ها ان اول
بيعتكم من اول الفتن   ايضا فيه قال مالك بن عباده
رايت عليا لا لبيت قرنه   اذا ما دعاه حاسرا ومن صلا
فهذا وفي الاسلام اول مسلم   واول من صلى وصام وهللا
وايضا فيه قال زفر بن زيد حوطوا عليا واحفظوه فانه وصي
وفي الاسلام اول اول   وقال قيس بن سعد بن عباده
هذا علي وابن عم المصطفى   اول من اجابه حين دعى ايضا
فيه عن ام سلمه والله لقد اسلم علي بن ابيطالب عليه السلام

اوّل الناس وماكان كافرا روى قتاده عن الحسن انّ علىّ
اوّل من امن وهو ابن خمسة عشر سنة عن على بن ابيطالب عليه السلم
قال اوّل من بغى فى الارض وجاهر بالمعاصى واستخدم الشياطين
وحرّيهم فى وجوه الشرّ عنق امّ عوج وكان قد انزل الله على ادم
اسماء العظيمة تطيعها الشياطين وامره ان يدفعها الى حوّاء
لتحرس بها فاغفلها عنقا وسرقتها واستخدمت بها الشياطين
وتكلّمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذلك
حوّا فارسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فهجم عليها
وقتلها وذالك بعد ولادتها عوج بسنين فى كنز اللبيب
لمعاصرنا الاديب الشيخ الفاضل احمد البغدادى دام عمره
اوّل من عاقب بالنار امرؤ القيس الثانى المعروف بالمحرّق
فى كنز اللبيب اوّل من قال الموت دون الجمل المجلّل عبد
الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابى العاص بن اميه وكان
يقاتل يوم الجمل ويرتجز فى التواريخ اوّل من قال من مال
جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمى فى المجمع
قال محمد بن كعب القرظى انّ رسول الله صلى الله عليه واله
قال انّ اوّل الناس دخولا الجنة لعبد اسود كذا فى المجمع اوّل من
قال الحديث ذو شجون ضبّة بن ادّ بن طابخة بن الياس بن
مضر قال المفضّل اوّل من قال انّ البلاء موكل بالمنطق
ابو بكر اوّل من قال انّ البيع مرتخص وغال الحجر بن ملاح

الاربعی سید یثرب اوّل من قال ربّ زارع لنفسه حاصد سواه
ابن الضرب اوّل من قال ربّ رمیة من غیر رام الحکم بن عبد
یغوث المنقری وکان ارمی اهل زمانه قال المفضّل اوّل من
قال ذکرتنی الطعن وکنت ناسیا رهیم بن حزن الهلالی اوّل من
رای الفضّه شیث بن ادم علیه السّلام اوّل من جاهد فی سبیل الله
ادریس علیه السّلام وعن عایشه انّ قال رسول الله صلّی الله
علیه واله وسلّم اوّل من یلحقنی منکنّ اطولکنّ یدا فکنّا نتطاول
بالایدی حتّی ماتت زینب بنت جحش فقلنا ما هذا الامر
صدقتها وکانت امرأة ذات صنعة بیدها اوّل کسی که گفت
این مثل را غثّک خیر من سمین غیرک معن بن عطیه مذحجی بود
سبب انکه در حرب که میان قبیله بنی مذحج وقبیله دیگر از
عرب واقع شده بود وبرادر معن روق را با مهتر بنی مذحج
اسیر کرده وروق بحماقت وبیعقلی مشهور بود ومعن برفت و
برادر خود را از ایشان درخواست وباخود بحی رسانید
ایشان گفتند سیّد بنی مذحج وشاعر ایشان را در دست
خصم بگذاشتی وروق احمق را بخواستی معن گفت غثّک خیر
من سمین غیرک در مناهج ونفائس الفنون محمود الدیلمی خیر
قلیل وفضحت نفسی گویند اوّل کسیکه این مثل را زد فاقت
بود زن مرّة الاسدی واو خوبترین زنان عرب بود چون سخن
فاش شد این مثل زد یعنی این حسن اندک خیر است ونفس

من بدان ربها اشتد فی نفائس الفنون محمود الدیلمی اوّل
کسیکه این مثل را گفت عش رجبًا تری عجبًا حارث بن عباد
بود و سبب آن بود که چون پیر شد یکی از زنان او بد خوئی
آغاز کرد حارث او را طلاق داد مردی دیگر او را بخواست زن
در مراعات آن مرد بغایت میکوشید و خوبی نیک پیش می
گرفت امّا در پیش حارث نعت و شکر این زن میگفت حارث
این مثل زد فی نفائس الفنون اوّل کسیکه این سخن گفت رسول
خدا صلّی الله علیه و آله بود که یا خیل الله ارکبی اوّل کسیکه
این سخن را گفت ربیعة بن جواد الاسلمی بود که ما جعل العبد
کربه فی مجمع الامثال الکرمانی اوّل کسیکه این سخن گفت اکثم
بن صیفی بود که من استرعی الذئب ظلم فی مجمع الامثال اوّل
کسیکه این سخن گفت عامر بن الظرب بود که من طلب شیئا وجد
اوّل کسیکه گفت من عزّ بزّ جابر بن رالان از بنی ثعل بود اوّل
کسیکه گفت من یشتری سیفی و هذا اثره حرث بن ظالم بود اوّل
کسیکه این مثل زد که ما وراءک یا عصام حارث بن عمرو ملک
کنده بود از ممالک عرب فی تاریخ مناهج جار الله الهلالی اوّل
کسیکه این سخن گفت هذه بتلک والبادی اظلم فرزدق شاعر
بود اوّل کسیکه گفت العجب کل العجب بین جمادی و رجب
عاصم بن مقشر الضبی بود اوّل کسیکه گفت فی الصیف ضیّعت
اللبن قول بنت الصید بود که مال و منال بسیار داشت

از مرد خود طلاق گرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را نمیخواست برفت و شوهر دیگر کرد زوج اولین
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی می
کرد زن گفت اترکتنی حتی اذا علقت ابیض کالشطن انشاءت
تطلب وصلنا فی الصیف ضیعت اللبن اول کسیکه گفت اسع
بجدک لا بکدک حاتم عمیر الهمدانی بود اول کسیکه گفت شر عنك
خداش بن حابس التمیمی بود اول کسیکه گفت ذهب امس بما فی
ضمضم بن عمرو الیربوعی بود اول کسی که این سخن گفت خیر قلیل
وفضحت نفسی زن مره اسدی بود که خوبتر از وی در زنان
عرب نبوده و بحسن و جمال در جهان معروف گشته این مثل
بدان زده یعنی حسن چیزی اندک است و نفس من مبارک بدان
رسوا شد فی مناهج الطالبین اول کسیکه گفت خالف تذکر
حطیه ام عنبر بود اول کسیکه گفت بواد غیر ذی زرع ابو العینا
بود در تاریخ آمده که وقتی ابو العینا از همدان باصفهان آمد
اتفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنگ است سنگ بیکدیگر میزدند سنگی بر سر ابو العینا
آمد بشکست آشنائی داشت بسی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مهجور با سر شکسته در گوشه مسجدی نشست و پای وی
از خستگی آبله کرده بود و گرسنه هم بود بامید آنکه در آن
مسجد از امام یا ماموم بحال او آگه شوند هیچ آفریده ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح بر بیخوابی کذرانید و از
غایت جوع آرام نداشت روز دیکر برخواست و بنزد آشناء خود مهلب
شتافت که وزیر مملکت بود از ابو العیناء پرسید که در کدام روز
بشهر در آمدی کفت فی یوم نحس مستمر کفت در کدام ساعت
کفت فی ساعة العسرة کفت کجا فرود آمدی کفت فی غیر ذی زرع
مهلب را حسن جواب او خوش آمد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اوّل کسیکه کفت العود احمد خداش
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال مرقوم است که
بر زنی رباب نام عاشق شد آخر بوصل او رسید فی نفائس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دو
شنبه دوازده شب از ربیع الأوّل کذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النّهار آن روز بود که بقباء آمد و در خانه
کلثوم بن هدم فرود آمد و تا روز جمعه انجا اقامه فرمود
پس عزم مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه کذاشت و آن
اوّل صلوة جمعه بود که در اسلام کذاشته شد در منابع
اوّل کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاِنّی ذاهِبٌ اِلی رَبّی سَیَهْدِین رَبِّ هَبْ لی مِن لَدُنْکَ رَحمَةً
وَاَلحِقْنی بِالصّالِحین و مراد باین ذهاب هجرتست یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در منابع
اوّل جماعتیکه بندای خلیل الرحمن بحج خانه خدا شتافتند

اهالی یمن بودند وایشان بیشتر وبیشتر بحج آیند اوّل کسیکه
زره یافت داود علی نبیّنا واله وعلیه السّلام بود چنانچه خداوند
در قرآن مجید فرموده وعَلَّمنَاهُ الحَدِیدَ لِدَاوُدَ وهر زره را
چهار هزار درهم بفروختی وطعمه خود وعیال از ان دراهم ترتیب
داشتی وباقی را بصدقه دادی وهرگز ذخیره ننهادی وفقراء
ومساکین را خوش داشتی در تاریخ واوّل کسیکه زنبیل یافت
وبعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمسعودی الشیعی
اوّل کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
عبد المطلب بود در مناهج اوّل کسیکه ملّة حنیفیه را تغییر داد
واصنام واوثان در حوالی کعبه بنهاد عمرو بن لحا بود ودر آثار
آمده که رسول خدا صلعم فرمود که شب معراج عمرو بن لحا را دیدم
که در میان آتش دوزخ اورا می کشیدند پرسیدم که با تو
دیگری هست گفت هرکه متابعت من کرد تا ظهور نبوّة تو با من
قرین خواهد بود در مناهج الطالبین اوّل کسیکه جهة هدیه
بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
الهلالی واوّل کسیکه بعد از طوفان نوح وهدم ومحو آثار
کعبه ارکان انرا پیدا آورد وبخلق ظاهر گردانید واوّل
کسیکه از اولادان مضر که بعلّة سل وفات کرد او بود
اوّل کسیکه بعد از رسول وفات کرد وبدو پیوست زینب
بنت جحش زوجه ان جناب بود اوّل کسیکه در سقیفه

باابک

با ابوبکر بیعت کرد بشیر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اوّل
سریکه حمل شد در اسلام و نقل از بلد ببلد دیگر شد سر محمد بن
ابی بکر بود اگر صحیح باشد حملش بسوی معاویه مؤلف گوید
در احادیث شیعه آن سر سر عمرو بن الحمق الخزاعی است که از
اصحاب سیّد اوصیاء علی علیه السلام بود چنانچه گذشت
اوّل کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السّلام بود اوّل
کسیکه عمّامه پوشید ذوالقرنین بود و بتحقیق پوشید عمامه
را از سبب قرنیه اوّل کلمه که ابراهیم در وقت بآتش رفتن
میگفت بود حَسْبِیَ اللهُ وَنِعْمَ الْوَکِیْلُ اوّل کسیکه بعد از مرگ
سخن گفت هارون وصی موسی بود چون هارون رفت
یافت بنی اسرائیل متهم ساختند موسی را که او هارون را
کشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
خدا اظهار برائت آنحضرت نمود آنکه امر فرمود ملائکه را
که هارون را مرده آوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
و گفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او و این
وجه از حضرت سیّد الوصیین امیر المؤمنین علیه السّلام
منقول است و در روایت دیگر آنست که موسی بر سر قبر هارون
آمد و ندا در داد و هارون بامر حقتعالی از قبر بیرون آمد
و گفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر عزیر
نبی بود اوّل معجزه که در حضرت رسول خدا صلعم ظاهر گشت سایه

انداختن ابر بود بر سر آن حضرت در حیوة القلوب اوّل کسیکه کتب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معویه بود و در زهر الربیع در حدیث است که چهار روز عید فطر را عید قرار داده شد زیرا که از برای مسلمانان اجماعی است که جمع می شوند در روز پس حمد میکنند خدا را بر آنچه منت گذاشته است بر ایشان و بجهة آن روز اوّل سال است که در او اکل و شرب حلال است بجهة آنکه اوّل سال نزد اهل حق شهر رمضان است که شهر رمضان اوّل شهور است نزد رسول خدا هم چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین فیض کاشی قدس سره تصنیفی که در اسلام شد خلاف است و شیخ جلیل محمد بن شهرآشوب ره در معالم العلماء که نسخه ازان کتاب در نزد مؤلف هست از غزالی شافعی نقل کرده است که اوّل کتاب ابن جریج است در آثار و حروف التفاسیر از مجاهد و عطار در مکه پس کتاب محمد بن راشد صنعانی در یمن پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان ثوری بعد فرمودند بلکه اصح از آنستکه اوّل کتاب امیرالمؤمنین بعد سلمان پس ابوذر پس اصبغ نباته پس عبدالله بن ابی رافع پس صحیفه کامله و ابن جریج مذکور عبدالملک بن عبدالعزیز بصریست که در سال صد و پنجاه و پنج وفات کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب والفنون دیده

شده است که از بعضی نقل که اوّل تصنیف سعید بن ابی عروبه
است که در سنه ۱۵۶ وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن صبیح
است که در سال صد و شصت وفات کرد و بعد سفیان بن
عیینه و مالك بن انس در مدینه و عبد الله بن وهب در
مصر و معمّر و عبد الرزّاق در یمن و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن ذکوان در کوفه و حمّاد بن سلمه و روح بن عباده
در بصره و هشیم در واسط و عبد الله بن مبارك در خراسان
اوّل کسیکه داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیت رسول
خدا ص بود که چون قریش کعبه را در جاهلیت خراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان گفت که هر یك از شما باید که پاکیزه ترین
مال خود بیاورید و نیاورید مالیرا که از قطع رحم یا حرام
دیگر بهم رسانیده باشید چون چنین کردند مانع برطرف شد
و متمکّن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء
تا آنکه بموضع حجر الأسود رسیدند پس منازعه کردند که کدام
یك حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیك شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اوّل از در مسجد الحرام در آید پس اوّل کسیکه داخل
شد حضرت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود چون
بنزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بعرض رسانیدند آن

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جای خود گذاشت و حق تعم او را باین کرامت مخصوص گردانید در سبائک الذهب اصحاب حوارتیر گویند که اوّل روز یکشنبه که اوّل دنیا است در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه از اولاد اسمعیل نبی الله علیه السلام کتاب اموخت و هر نوع خط بنوشت ادد بن همیسع بود در مظاهر الانوار اوّل کسیکه چهار نائب بر ربع مسکون تعیین کرد که حکمت و شریعت او را رواج دادند ادریس نبی است اوّل زنیکه حائض گشت حوا مادر ادمیان بود و آن روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اوّل کسیکه اختراع کیوه کرد که موزه ایست معروف کیو بن کودرز بود در فرهنگ انجمن آراء مسطور است که در سفر ترکستان که به طلب کیخسرو رفته بود و چند سال در آن بیابان میگشت و آن موزه بود زیر آن چرم و روی آن ریسمان اکنون تکمیل یافته متداول است و بهترین آن کیوه بیجانی است و بیجان دهی از اصفهان اوّل شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر پشنگ در تاریخ هرات اوّل کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان لعین بود در عیون اخبار الرضا اوّل کسیکه متلفظ شد به کلمه لا حکم الا الله برک بن عبد الله تمیمی بود در کتاب اینشا

مفید ره موسوم بتحفهٔ سلیمانی مؤلف گوید که این برك نامش
حجاج است وکسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
وبا ابن ملجم وعمر بن بکر هر سه هم عهد شدند درباب قتل سه تن وقصه
انها مشهور است اوّل کسیکه پارسی گفت پارس بن هوشنك
بن سیامك پیشدادی بود در تاریخ در فرهنك انجمن آراء
ناصری امده اوّل کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین
ترك دارد شیخ صفی الدّین شاه اسماعیل صفوی او رحمة الله
علیه بود که شاه اسماعیل صفوی مروّج طریقه اثنی عشری
برای تمیز این طبقه از دیگران از ماهوت سرخ کلاه دوازده
ترك دوختن فرموده بود و هر ترکی بنام یکی از ائمّه اثنی عشری
دوخته واین اعلا الخلعتی وافسری بود که بر بزرگان شیعی داده
شده است اوّل کسیکه در مکّه کاغذ ساخت میکائیل نام
کشمیری بود وان در سنه هشتاد وهشت هجری بود در فرهنك
انجمن آرا اوّل کسیکه حضرت امام حسن عسکری بجهة وکالت
حضرت صاحب الأمر علیه السّلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمری اوّل کسیکه با رسول الله صـ در مسجد نماز
گذاشت امیر المؤمنین علیه السّلام بود در خصائص النّسائی
اوّل کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسماعیل
بود که ساره او را ختنه نمود واین مرسوم ماند در نزد مردم
در مآثر سلطان امده اوّل پادشاهیکه نام خلیفه را از

خطبه بیفکند طاهر ذو الیمینین بود اوّل کسیکه قرشیّت
برای او ثابت شد مالک نضر است زیرا که قریش لقب نضر است
در نفائس الأخبار اوّل کسیکه در حبس منصور دوانقی هلاک
شد عبد الله بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام
اوّل سلاطین عبّاسیان ابو العبّاس سفّاح بود فی التّواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بمسئله
دوستی امیر المؤمنین علیه السّلام بقتل رسانید و اوّل کسی بود
که درمیان صفا و مروه سواره سعی نمود و اوّل کسی بود که علانیه
شرب خمر میکرد و ساز و سروربان ملحق ساخت و میل بخوردن
اکل و ایامه آن نمود و اوّل کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اوّل کسی بود که سر مسلمانان برای وی هدیه آوردند
و اوّل کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبّه باکاسره
و فراعنه شد و اوّل کسی بود که بموت مسلمانان شماتت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مسطور است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین ع بآن ملعون رسید امر کرد که مردم شام بعیش
و عشرت مشغول شدند و اوّل کسی بود که با مشرکان بی اخذ
جزیه صلحی کرد و اوّل کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
را برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هند می
فرستاد که فروخته قیمت آنرا از قماش و متاع بیاورند
و آنرا تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اوّل

کسی بود که اسیر مسلمانان بفروخت و اوّل کسی بود که خلافت را
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
و اوّل کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و مقصوره
در مسجد ساخت و خواجه سرایان بخدمت خود تخصیص کرد و
اوّل کسی بود که نشسته میخواند بواسطه سمن و عظم شکم بر پای
نمیتوانست بایستد و اوّل کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خر مرده گذاشت و سوزاند اوّل کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاوس بود پس علامهٔ حلی
وی را متابعت ورزید از علمای اعلام نیز همان طریق را سلوک
داشتند در روضات الجنات للسیّد العالم الفاضل المعاصر المیر
محمد باقر الموسوی الخونساری مدّ ظلّه اوّل از علامات
ظهور حصار بستن در دور کوفه است بحصار و خندق و اوّل
جماعتی را که مختار بن ابی عبیده ثقفی بدست آورد آن ده
تن بودند که خیول بر بدن شهداء تاختند آوردند آن جماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
آهنین بر پشت و دستها و پاهای ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بر روی اجساد خبیث ایشان تاختند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشان را باتش سوزانیدند اوّل کسی
که با ابو بکر بیعت کرد شیطان ملعون بود اوّل فرجی که از
بنی هاشم بغصب گرفته شد امّ کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السّلام بود که عمر بن خطّاب بزور خطبه کرد مؤلّف گوید
این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصّادق علیه السّلام
هو اوّل فرج غصب منّا فی کامل البهائی وغیره فاضلی ردّ
کرده است ورساله ردّه موسوم بارغام اناف الخصوم است
انچه معلوم میشود از اخبار وتاریخ بدستیاری عبّاس باتمام
رسید بعینه این عقد چون عقد اسیه بنت مزاحم بود با فرعون
اوّل کسیکه با امیر المؤمنین ع بیعت کرد طلحه وزبیر بودند
وبعد بیعت را شکستند اوّل کسیکه غالی شد در حقّ اسد الله
الغالب علی بن ابیطالب ع نصیری بود فی مفرح الأخبار
اوّل کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عزّ وجلّ در بالای عرش
کبریائی خود پس از آن جبرئیل بعد میکائیل واسرافیل و
ملائکه مقرّبین وامیر المؤمنین علیه السّلام اوّل دفعه که
پیغمبر صلّی الله علیه وآله بیعت امیر المؤمنین علیه السّلام
را از انصار وخلفاء گرفت در دار النّدوه که موضع شوری
بود دوّم در بیعت رضوان در زیر درخت در سال حدیبیه
سوّم در روزیکه نشسته بود در خانه امّ سلمه چهارم در غدیر
خم اوّل کتابی که در حدیث ساخته اند موطّاء مالک
بود وشافعی گوید ما اعلم شیئا بعد کتاب الله اصحّ من موطّاء
مالک اوّل کسیکه در علم درایه تصنیف کرد ابن حجر مکّی
بود در روضات الجنّات اوّل نامهای کلام الله المجید

قران است در نفائس الفنون اوّل کسیکه بنات مقناطیس رسید و بخاصیّت او علم بهم رسانید حکیم دانشمند باهوش ستر کلیس بود وی مردم جزیرة العرب و بلغت عربی و تمامی السن مردم فرنگ عالم و صاحب عزم بلند بود موجب فنون ریاضی و هندسی بطریقه فرنگ اوست از مقناطیس قطب نما ساخت و بجهات عالم آگهی یافت که در روشنی و تاریکی روز یا شب در دریا و خشکی بهر سمت که خواسته باشد رسد و جهاز با این دستگاه و اسباب آن بنحویکه رواج دارد از نتایج افکار آن وحید عصر است در کتاب تحفة العالم سیّد عبد اللطیف خان نجل سید نعمة الله جزائری شوشتری مؤلف گوید این حکیم جلیل اوّل کسیست که عالم دیگر را که او را ینگی دنیا و امریکا نامند ظاهر و آشکارا کرد اوّل کسیکه دست بیعت شاهی بهرام گور داد و بعضی کسری بود که مدّعی سلطنت بود در منتخب الحکایات اوّل کسیکه حضرت قائم آل محمّد را شست رضوان خازن بهشت بود با جمعی از ملائکه مقرّبین که او را باب کوثر و سلسبیل شستند بعد از آن شست او را حلیمه خاتون دختر حضرت امام محمّد بن علی الرّضا علیهما السّلام در نجم الثاقب العلامة النوری مدّظلّه اوّل کسیکه نسب آل ابی طالب را جمع کرد سیّد یحیی نسّابه است صاحب کتاب

انساب آل ابی طالب و از معروفین و رواة است و اوجد عالم
جلیل سید حسن بن شدقم مدنی است فی نجم الثاقب
للفقیه النبیه العالم العامل الکامل المولانا الجلیل حاج میرزا
محمد حسین نوری طبرسی نور الله قلبه اوّل کشته که از خون او
باز خواست میشود محسن در خون طپیده فرزند فاطمه زهرا
سلام الله علیها است در رساله شیخ عارف احمد احسائی اوّل
آیه که در قتال امده این بود قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ
الخ فی جواهر التفسیر للملا محمد المدعو بمحسن الکاشانی در دعای
لعن امده اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ
تَابِعٍ لَهُ عَلٰى ذٰلِكَ اوّل کسیکه بقتل جبر در اسلام رفتار کرد
وعبد الرحمن بن حسان را بمحبت امیر المؤمنین علیه السلام
بروایت ابن اثیر و ابن خلدون زنده دفن کرد عبید الله بن زیاد
بود و اوّل کسیکه ولایت عراقین کرد و اوّل کسیکه سبّ
علی بن ابیطالب علیه السلام را در عراقین کشید و ترویج داد
پیغمبر اکرم صلعم فرمود یا علی اوّل کسیکه سر از زمین بر میدارد
محمد ص است بعد تو و اوّل کسیکه پوشیده میشود محمد است
بعد تو پس امیر المؤمنین علیه السلام بر روی زمین افتاد و
سجده حق بجای آورد و حمد کرد فی مناقب موفق الدین الخوارزمی
المکی اوّل کسیکه یحیی نامیده شد یحیی ع بن ذکریا بود قال
الله تبارک و تعالی یَا زَكَرِيَّا اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ

لهٗ مِن قبل سَمِيًّا اوّل نبيّ نبأ الله بعد ادريس نوح عليه السلام
وهو اوّل نبيّ نسخت شريعة ادم على نبيّنا واله وعليه السلام
وهو اوّل نذير من الشرك لاهل الأرض وهو من اولوا العزم
وهو اوّل نبيّ عذّبت امّته بدعوته اوّل هاشميّة ولدت هاشميّاً
فاطمة بنت اسد امّ امير المؤمنين عليه السلام وجعفر وعقيل
وطالب اوّل من قال جعلت فداك عليّ عليه السلام لمّا دعى
عمرو بن عبد ودّ الى البراز والمحاربة يوم الخندق ولم يجبه
احد قال عليّ عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله ائذن
لي قال انّه عمرو بن عبد ودّ قال انا عليّ بن ابي طالب فخرج اليه
فقتله فاخذ الناس منه اوّل من اخذ مال الناس بالظلم
الضحّاك اوّل من سمّى عبد الملك في الاسلام عبد الملك
بن مروان اوّل من غزل حوّا غزلت صوف الضّأن فنسج
ادم جبّة لنفسه ودرعا وخمارا لحوّا اوّل من وضع البقول
في الخوان كيخسرو بن سياوش اوّل من عمل قصعة يشرب الماء
واللّبن ونحوهما قينان بن انوش بن شيث بن ادم قال الشيخ
جمال الدين بن النّباتة اوّل من غنّى على العود بالحان الفرس
النضر بن الحرث بن كلدة اوّل من غنّى في الأسلام بالحان الفرس
سعيد بن مسجح اوّل من اتّخذ العود بطليموس الحكيم اوّل شبهة
وقعت في البريّة شبهة ابليس لعنه الله ومصدرها استبداد
بالرأي في مقابلة النصّ واختياره الهوى في مقابلة الأمر و

الاستکبارة بالمادة التی خلق منها وهی النار علی مادة ادم
علیه السلام وهو الطین اوّل من صلّی الجمعة فی البحرین بعد انقضائها
فی الدولة المصطفویة المنتهیة الی الشاه سلطان حسین الموسوی
الصفوی الحسینی الشیخ محمد بن الحسن رجب المقابی اصلا والاصبعی
منزلا کذا فی لؤلؤة البحرین وروضات الجنات وغیره اوّل من ترک
مطالعة احادیث العامة العمیاء من هذه السلسلة العلیة
الدشتکیة واشتغل بتشیید قواعد الحکمة والکلام علی سیاق
ارباب البصیرة من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحکیم
الامیر غیاث الدین منصور بن الصدر الدین الحسنی الحسینی
الشیرازی الدشتکی الاوّل صاحب مدرسة المنصوریة بالشیراز
فی حبیب السیر وغیره اوّل من خلع علیه السواد العالم الصفی
السید الرضی کذا فی عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب اوّل
کسیکه مادرش دختر حضرت امام حسین ع است عبد الله
بن محض بن الحسن المثنی وفاطمه طاهره دختر سید الشهدا
زوجه حسن المثنی بن الحسن المجتبی علیه السلام سه پسر داشت
اوّل عبد الله المحض دوّم ابراهیم الغمر سوّم حسن وابراهیم
غمر الحسنی الحسینی جدّ امجد مؤلف کتاب است و پسر او اسمعیل
دیباج است و پسر او ابراهیم ملقب بطباطبا است و نسب این
فقیر به سی و دو واسطه بحضرت امام ثانی حسن بن علی بن
ابی طالب علیهما السلام است و از سلاله طباطباء الحسینی

الحسینی میباشم بدین طریق محمد جمال الدین السید محمد الحائری
مؤلف هذا الکتاب ابن السید العلامه حسین الطباطبائی
الیزدی بن السید مرتضی بن السید احمد بن میر حسین بن
میر سامع بن میر غیاث بن میر محمد مؤمن بن السید نور الدین
بن السید مراد بن الشاه اسد الله بن السید جلال الدین امیر
بن الحسن بن مجد الدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن عباد
بن ابی المکارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابی الحسین علی الشاعر بن ابی الحسن محمد الشاعر الاصفهانی
المتوفی سنة اثنین وعشرین وثلث مائة بن احمد بن ابی
جعفر محمد بن ابی عبد الله احمد الرئیس بن ابراهیم الملقب
بطباطبا بن اسماعیل الدیباج الاصغر المکنی بابی ابراهیم
الملقب بالشریف الخلاص بن ابراهیم الغمر المتوفی مع اخیه
عبد الله المحض وجمع من السادة فی حبس المنصور بن الحسن
المثنی بن الامام المجتبی سبط المصطفی ابی محمد الحسن بن الامام
ابی الائمة امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیهم السلام اول
کسیکه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زین العباد علیهما السلام میباشد اول بنائیکه در
ولایت خراسان واقع گشت قصبه قوشنج است در روضة
الصفا اول بقعه که در خراسان ساخته و پرداخته شد
قلعه شمیران است در روضة الصفا اول کسیکه امر کرد مردم

را ختنه کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
مسطور است اول کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد معاویه
بود و اول کسیست که میل بخوردن گل کرد وانرا حلال دانست
فی تذکرة الأئمة اول کسیکه بثلث مال وصیت کرد براء
بن معرور انصاری بود و اول کسیست که وصیت در قبر
بجانب قبله قرار داده شود و اول کسیکه در استنجا استعمال
آب نمود اول الآیات طلوع الشمس من مغربها مؤلف گوید
اول آیات قیامت است که پیش از نفخ صور واقع می شود اول
کسیکه اقرار بربوبیت کرد در وقتیکه خدا فرمود الست بربکم
حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام بحق
جعفر الصادق علیه السلام روایت شده که فرمودند از حضرت
پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفتی بر پیغمبران و
از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی فرمود
که زیرا که اول کسی بودم که اقرار به پروردگار خود کردم و اول
کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق تعالی میثاق و پیمان گرفت
از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
گفت الست بربکم آیا نیستم من پروردگار شما گفتند بلی پس
اول پیغمبری که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفتم بر ایشان
در اقرار بخدا اول کسیکه وسمه ساخت هامان بود بجهة
فرعون که آن وسمه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

وفریب خورد فرعون از هامان فی تواریخ وزبدة ابتداء وسمه
در زمان فرعون بود بروز وظهورش از سارود وغارود که
دو برادر بودند گویند تسلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
هزار الی سی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اوّل رسولیکه
امّت بدعای او هلاک شدند نوح علیه السّلام بود در
روضة الصّفا اوّل نعم طیّب ولادت است در معانی الاخبار
مرویست از حضرت رسول خدا ص که فرمود من احبّنا اهل
البیت فلیحمد اللّه اوّل النّعم قیل وما اوّل النّعم قال طیّب
الولادة ولا یحبّنا الّا من طاب ولادته ولا یبغضنا الّا من
خبث ولادته اوّل بقعهٔ که خدارا بر روی ان عبادت
نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علیّ بن
ابیطالب ع منقولستکه اوّل بقعهٔ که خدارا بر روی ان
عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
خدا امر کرد ملائکه راکه ادم را سجده کنند در اینجا سجده کردند
در حیوة القلوب واعتقاد شیخ عارف احمد احسائی انستکه
جنّت اوّل موجود انست چنانچه در شرح ومعنی حدیث و
روح القدس فی جنان الصّاغوره ذاق من حدائقنا الباکوره
الخ رجوع نمایند واعتقاد من بنده انست که جنّت وهرچه در
اوست از برکت نور حضرت سیّد الشّهداء ع خلق شده است
محمّد بن جریر طبری گوید اوّل کسیکه با امام حسن علیه السّلام

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباده خزرجی انصاری بود
و گفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا و جهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی ناسخ اول کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب ع که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبید الله بن حسن بن عبد الله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب ع بود فی نفائس الفنون آملی اول ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضی عنه
والده فانا منه راض و من سخط علیه والده فانا علیه ساخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه ع ان اول الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة و اول ما یحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها فی مصابیح القلو
اول خلیفة من بنی هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائک الذهب اول کسیکه دعوی حضرت نبوی را اجا
کرد شاه مردان و شیر یزدان بود گفت کمر خدمت را از آن
بر میان بسته ام تا هر چه فرمائی بدان قیام نمایم
من کمر بسته بجان ایستادم منتظر تا چه فرمائی تو ای شهنشاه من
و در جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود گفت سبقتکم
الی الاسلام طرا غلاما ما بلغت اوان حلمی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه و آله فرمود که میدانید اول کسیکه در بهشت

بهشت رود

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالمترند گفت درویشان
مهاجر که ثغرهای مسلمانان بدعاء ایشان دفع کردند در
مصابیح القلوب در خبر است که سیّد رسل چون از سفری
مراجعت میفرمود اوّل بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفته از او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بحبیبش محمّد فرمود یا محمّد علیؑ اوّل من اخذت میثاقه من
الاوصیاء و علیّ اخر من اقبض روحه من الأوصیاء فی
مصابیح القمر اوّل منزل من منازل الأخرة واخر منزل
من منازل الدّنیا فی الحشر چون اسلام قوی شد جبرئیل
امد که حق تعم میفرماید که درهائیکه در مسجد گشاده اید
برارید جماعتی از اصحاب گفتند همانا این خطاب با ما نباشد
اوّل کسیکه ساز آن کرد که در برآورد علیّ بن ابیطالب ع
بود خواجه صلعم بحجره فاطمه درامد و علی ع را گفت ای
علی تو از منی و من از تو انت منّی و انا منك اوّل من
امن بالله عبد المطّلب اوّل ملوك بروسیه غالیوس
فی ابن اثیر صیدانی در لغة الثّرد والثّرید می نویسد فی
الحدیث اوّل من ثرد الثرید ابراهیم واوّل من هشم الثّرید
هاشم وکان الفرق بینهما انّ الثّرد فی غیر الیابس والهشم
فیه قال الجوهری الهشم کسر الیابس یقال هشم الثّرید وبه
سمّی الهاشم فی سامی الاسامی اوّل زنیکه خدای تعالی بامن

خلق قرار داد قبل از آنکه مکّه را حرم خود کند زمین کربلا
بود در تاریخ عسکریه سیف ذی زن وقتیکه حاضر مجلس
عبد المطّلب شد عبد المطّلب گفت ای پادشاه دیشب
در ریش تو موهای سفید دیدم که امروز نمیبینم سیف گفت
من خضاب میکنم گویند او اوّل کسی بود که خضاب کرد در
حیوة القلوب اوّل کسیکه وضع کرد و مرتّب ساخت دائره
تواریخ ولادت و وفات را امیر عبد الجواد رضوی بود در
اشعار در وفات یکی از عرفاء هندوستان از اوقات الی
زماننا هذا معمول افتاده خاصّة در نزد افاضل هندوستان
ابو الصّلت هروی گفت خدمت امام رضا عم عرض کردم
که چون حضرت قائم شما خروج کند اوّل کاریکه میکند
چیست فرمود اوّل کاریکه میکند قطع میکند دستهای
طائفه بنی شیبه را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
هستند در عیون اخبار الرّضا اوّل کسیکه از درخت
تخته گرفت و خانها را در فرمود ساختند هوشنگ بود در
مناهج الطّالبین اوّل کسیکه از ملوک دعوی خدائی
کرد جمشید بود در مناهج اوّل مَن یُدخِلُ الجَنَّة فاطمه سلام
الله علیها فی انوار الهدایة لملا محسن فاضل یزدی اوّل
من یلحق بالنبی فی الجنّة من اهل بیته فاطمه سلام الله علیها
فی انوار الهدایة لفاضل المذکور و اوّل کسیکه زیر جامه

پوشید ابراهیم نبی بود در انس العالم و در علل الشرایع از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خداوند وحی فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهة حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او حجابی پس قرار داد چیزیکه بزرگتر از جامه و پست تر از سراویل بود پس ان را پوشید و ان تا زانوهایش بود مؤلف گوید که ظاهر اینستکه ان تبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر و از زانو چهار انگشت تجاوز کند و دیده ام ملاحان کشتی بحر میپوشند و همین ستر عورت را میکنند اول کسیکه بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی روضة المجاهدین اول کسیکه امر کرد بقطع دست فرعون بود وقتیکه سحره ایمان بموسی اوردند فرعون گفت سزا دهم شما را و ان اینست لَاُقَطِّعَنَّ اَیْدِیَکُمْ وَاَرْجُلَکُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَاُصَلِّبَنَّکُمْ اَجْمَعِیْنَ فی زبدة التصانیف اول ما انزل القمح علی آدم کان قدر بیض النعام وقیل له هذا رزقك ورزق نبیك قم فاحرث وازرع ولم تزل الحبة علی ذالك ثم نزل علی قدر بیض الدجاج ثم الی الحمامة ثم الی البندق وکان فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر الحمصة فی حیوة الحیوان الدمیری وقال ایضاً اول من زرع حبة الحنطة آدم علی نبینا واله وعلیه السلام و ورد فی الخبر ان الله تع انزل

علی آدم ثورا احمرا وبقرة حمراء فحرث بهما فاتاه جبرئیل
بثلاث حبات من الحنطة فدقها آدم علیه السلام حتی
صرن قطعا ثم زرعها ونثر نخالتها فنبت الشعیر فما بقیت
البقرتان بالحراثة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیز النسفی
قال رسول الله اول ما خلق الله العشق اول ایام عجوز
بیست وششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
کرد عجوزی از ایشان بماند و بر ایشان نوحه کردی ومرثیه
گفتی بدان سبب آن ایام را عجوز گویند وعجز بحسب لغة
آخر را گویند واین ایام را بجهة آن عجوز گویند که آخر زمستان
است ونوروز اول روزیست که آفتاب ببرج حمل رسد
ودر انوار النعمانیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرد اول کسیکه
پادشاه شد کیومرث بود چنانچه اشاره شد وکیومرث
لفظی است سریانی بمعنای عربی حی ناطق وبفارسی
زنده گویا باشد وبعضی کیومرز دانند کیو بمعنی بزرگ
ومرز یعنی زمین ودر روضة الصفا هست چون قبل
از تصدی او بمراسم ایالت سروری انواع جور وتعدی
وهرج ومرج واحوال ساکنان ربع مسکون راه یافت
طائفه از عقلا واشراف در باب دفع ظالم وبیداد اندیشه
تمام بجای آوردند انتظام عالم ونسق وترفیه احوال بنی

آدم را بوجود مدبری ذو اقتدار و فرمان دهی رفیع مقدار
یافتند که ذات پسندیده سماتش بحلیه نصفت و معدلت
آراسته بود تا طبقات رعایا این کافه برایا از آسیب تعدی اهل تمرد
و طغیان سالم مانده در مهاد استراحت مرفه و آسوده زیند پس بعد از مشاورت
و استشاره قرعه اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون پیمان
با اهل ملک و ملت را در باب عطا و عدل بایمان موکد کرد
و تاج شاهی بر سر نهاد و بر سریر سلطنت متمکن گشت
فردوسی گوید: نخستین خدیوی که کشور گشود الخ اول
کسیکه در جاهلیه خمس مال خود در راه خدا داد عبد
المطلب بود کذا فی حیوة القلوب ابن عباس گفت رسول
خدا فرمود صدیقان امت سه اند اول حبیب نجار دوم
حزقیل سوم علی بن ابیطالب علیه السلام و علی افضل ایشان
هم صدیقان است در روایة الطرفه ولی در بعضی از نسخ
بنظر حقیر این طور رسیده است سباق الامم ثلاثة لم یکفروا
بالله طرفة عین علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
آل فرعون و هم الصدیقون و علی افضلهم شیخ در امالی
بسند خود از قیس بن سعد بن عباده روایت کرده که از
حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اول من یجثو
بین یدی الله عز و جل للخصومه یعنی من اول کسی هستم که
در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد

غایة المرام و اوّل چیزیکه از اسباب شفاعت است و فاطمه
طاهره بمحشر میاورد عمامه خون آلوده شوهرش علی است در
مجمع المعارف از عامه است در تفسیر آیه وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ
إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ انس بن مالک گوید این آیه در شان علی ع
نازل شد و اوّل کسی بود که بخدا ایمان آورد وَهُوَ مُؤْمِنٌ
مُحْسِنٌ ذکره ابن شهر آشوب فی تصنیفه اوّل کسیکه ایمان
برسول خدا آورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان
امیر المؤمنین علیه السلام بود فی سیر النبی و مناقب و تقوی
و جامع الاصول قال علی علیه السلام انا صلیت مع رسول
الله سبعة سنین قبل ان یسلم احد و یصلی احد اوّل کلمه که
بر لواء حمد نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم بود بعد الحمد لله
رب العالمین بعد لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله اوّل مطر نزل من السماء فی یوم عاشورا و اوّل
رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطالب الشیخ عبد القادر
الجیلانی فی مجلس فضیلة یوم العاشورا قال رسول الله
صلی الله علیه و آله و سلم اوّل من اتخذ علی بن ابیطالب
اخا من اهل السماء اسرافیل ثم میکائیل ثم جبرائیل و
من احبه منهم حملة العرش ثم رضوان خازن الجنة ثم
ملک الموت و ان ملک الموت یترحم علی محب علی بن ابی
طالب علیه السلام کما یترحم علی الانبیاء یعنی اوّل

کسیکه کوفت علیّ بن ابی طالب را برادری کرفت از
اهل آسمان اسرافیل است بعد ازان میکائیل پس ازان
جبرائیل واوّل کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان
حاملان عرش شدند وبعد ازان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل وبدوستیکه ملك الموت ترحّم میکند بر انبیاء
در مناقب المرتضوی وقال علیؑ فی خطبته الحمد لله الاوّل
فلا شیٔ قبله والآخر فلا شیٔ بعده والظّاهر فلا شیٔ فوقه
والباطن فلا شیٔ دونه فی نهج البلاغه از ابوذر غفّاری
وسلمان فارسی مرویست که پیغمبر صلعم دست امیرؑ را بدست
حق پرست خود کرفت وفرموده انّ هذا اوّل من امن بی
ونیز از سلمان روایت شده است که آن سرور فرمود اوّل
هذه الامّة ورودا علی الحوض اوّلها اسلاما علیّ بن ابی طالب
علیه السّلام خزیمة بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه السّلام
میفرماید ما کنت احسب هذا الامر منصرفا عن هاشم ثمّ
منها عن ابی حسن الیس اوّل من صلّی بقبلتهم واعلم
النّاس بالفرقان والسّنن ویکی از فصحای عرب اشارت
بسبقت اسلام امیرؑ نموده میکوید قل لابن ملجم و
الاقدار غالبة هدمت وذالك الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش ازاین جبرئیل امین بر من نازل شد
وکفت انکشتر عقیقی در دست کن زیرا که عقیق اوّل سنکی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیّت
و از برای تو بنبوّت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایة المرام
از ابن مغازلی در نصّ رسول بر علی قال النّبیّ صلّی الله علیه و
آله یا علی انت اوّل المسلمین اسلاما و اوّل المؤمنین ایمانا
سیّد اجل محدّث علّامه بحرانی در غایة المرام نقل از ابن بابویه
مینماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهودی
خدمت حضرت امیر المؤمنین امد و عرض کرد مرا خبر ده از
اوّل سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
زمین جوشید و اوّل درختی که از زمین روئید فرمود ای
یهودی اما اوّل ان سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما
میکوئید که ان سنکی است که در بیت المقدّس است و دروغ
کفته اید بلکه ان سنکی است که ادم انرا از بهشت با خود فرود
اورد و ان حجر الأسود است و در کعبه نصب نمود یهودی کفت
راست کفتی و بخدا قسم که انچه کفتی بخطّ هرون و املاء حضرت
موسی است و فرمود شما میکوئید اوّل چشمه که بر روی زمین
جوشید و جاری شد چشمهٔ بیت المقدّس است و دروغ
کفته اید ان چشمه زندکانیست که یوشع بن نون ماهی
شور را دران چشمه شست و خضر از ان اشامید و احدی
از ان نیاشامد مکر انکه نمیرد عرض کرد راست فرمودی و

بخدا قسم که چنین یافتم بخط هرون واملاء موسی مؤلف
گوید این قصه چنان بود که اسکندر ذو القرنین بطلب آب
حیوة باسپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
خضر نبی بر مقدمه لشکر او بود و باب رسید از آب بخورد
و اسکندر محروم ماند و شما میگوئید اوّل درختی که از زمین
روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه اول درخت
خرمای عجوه است که آدم از بهشت با خود آورد یهودی گفت
راست گفتی بخدا قسم بخط هرون واملاء موسی چنین یافتم
مؤلف گوید عجوه نخل خرمائیست بسیار خوب گویند
در مدینه طیبه و نواحی آن از این درخت بسیار است و پیغمبر
مکرم میفرماید هر کس هفت عدد خرمای عجوه هر روزه
تناول نماید از گزندگان و اسیب زهرهای آنها در امان
خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکرر
بتجربه رسیده است خوردن هر صباح از این خرمای عجوه
وفی القاموس العجوة بالحجاز التمر المحشی وتمر بالمدینة
و در تفسیر اَلَسْتُ بِرَبِّکُمْ و محمد نبیکم الخ آمده اوّل میثاق
ربوبیت را از انبیاء عموما گرفت و اینست که میفرماید
وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِیّٖنَ مِیْثَاقَهُمْ یعنی یاد آور ای محمد
زمانی را که فرا گرفتیم از انبیاء میثاق ایشان را و ذکر کرد
همه انبیا را عموما بعد از ان افضل سلسله انبیا را بیان

فرمود و نام برد که میلک محمد یعنی پس از انبیاء اخذ
میثاق از نو کرد برای محمد خصوصا و رسول بر سائر انبیاء
مقدّم داشت اوّل پادشاهان عدالت گستر نوشیروان
فرخنده سیر بود و در حقش کافی است که پیغمبر صلی الله
علیه واله فرمود ولدت فی زمن ملك العادل نوشیروان
فی خلاصة التواریخ اوّل کسیکه نامه بسیّد الشهداء
نوشت عمرو بن الحجاج بود اوّل کسیکه در کربلا شمشیر
بر بدن مقدّس حضرت ابی عبد الله الحسین ع زد و بدن
مطهّر ان سرور را مجروح نمود همین لعین ولد الزّنا بود
در کتاب حدائد السّیوف و شدائد الحتوف از سیّد رضا
حیدری یزدی اوّل کسیکه بعد از شهادت سید الشهداء
احرام زیارت ان بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
گردید جابر بن عبد الله انصاری بود در ریاض الشهاده
اوّل کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
زینب خاتون بود عرض کرد یا جدّا اگر بنی هاشم نبودند
من برهنه می شدم تا ببینی چگونه بدنم سیاه و مجروح است
و قصّی اوّل کسی بود از اولاد کنانه که پادشاه مکه گشت
در مقامع اقا محمّد علی بهبهانی اوّل من امن علی بن ابیطالب
علیه السّلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علی بن
ابیطالب اوّل کسیکه وضع کرد شطرنج را صصه بن

داهر الهندی بود در تاریخ ابن خلّکان و برخی گویند واضع
شطرنج ناموغ بن هام بن یافث بن نوح علیه السّلام بوده است
اوّل کسیکه وضع کرد نرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکر
پادشاه فرس بود و از این جهة او را نردشیر خوانند در تاریخ
خلّکان اوّل کسیکه شراب را بتصدّق بفقراء داد ابن
درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب باو بداد یکی
از غلامانش گفت شراب را بتصدّق میدهی در خبر سیوطی
در جواب غلام این ایه را خواند لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتّٰی تُنْفِقُوا
مِمَّا تُحِبُّونَ و فی الحدیث پیغمبر اکرم فرمود یا علی خدای
تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو با من می باشی می
فرماید یا علی اوّل کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اوّل
کسی هستی که بر صراط بایستی با من و اوّل کسی هستی که
پوشانیده شوی از لباس بهشت با من و اوّل کسی هستی
که در علیّین ساکن شوی با من اوّل کسی هستی که از
رحیق مختوم بیاشامی با من اوّل کسیکه بنای شهر نهاد
کیومرث بود و اوّل پادشاهیکه در میان فرزندان
خویش خطبه انعقاد کرد او بود در تاریخ مجمع فضل الله
اوّل کسیکه از وادی نجد اسب نجدی و مادیان عربی فرستا
آوردند و در بیابان قرا و شتستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بوشهری حاکم بوشهر و مضافات و بحرین و بنادر بود و آنچه اسب عربی معروف فارس میباشد در شیراز و غیره از همان تخمه است در روضة الصفاء ناصری هدایت ره اوّل کسیکه بجهة منصب قاضی القضاة حق ادای وجیبه قرار داد ابو العبّاس عبدالله بن حسن بن ابی الشّوارب بود در بغداد دویست هزار درهم هر سالی بدیوان بداد در ایّام معزّ الدّوله بن بویه در منتظم ناصری اوّل کسیکه دروازه طعن بر مجتهدین گشاد و فرقه ناجیّه امامیّه اثنا عشریّه را بدو قسم منقسم گردانید یکی اخباری و دیگری مجتهدی ملّا محمّد امین استرابادی صاحب فوائد المدنیّه بود در کتب رجال اوّل کسیکه بزیارت قبر حضرت امام حسین علیه السّلام آمد جابر بن عبدالله انصاری با آل رسول و بنی هاشم آمدند در یوم بیستم صفر سنه ۶۱ هجری بود چه خوب گفت شاعر

زائر اوّل جناب جابر است ‌‌ جان فدای آنکه اوّل زائر است

اوّل کسیکه در مسجد سپه سالار که در طهران واقع و بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ جعفر الشّوشتری بود در مآثر الآثار در حدیث است که حضرت امام رضا علیه السّلام فرمودند چون خداوند ولایت و امامت و محبّت ما را نهاد و طاهر و ابرار اسماها

عرض کرد اوّل آسمان هفتم قبول کرد و چون بزمینها عرض کرد اوّل زمین کعبه قبول کرد و چون بکوهها عرض کرد اوّل کوه عقیق اقرار کرد اوّل کسیکه از سلسلهٔ جلیله خواتون آباد بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السّیّد العالم میر محمّد حسین بن میر محمّد صالح الحسنی الحسینی الخاتون آبادی ابن بنت المجلسی الثّانی فی مآثر الآثار اوّل زنیکه از خانوادهٔ علی علیه السّلام بجههٔ استقبال امام زین العابدین ع و ماتم زدهٔ کان از دروازهٔ مدینه بیرون رفت امّ البنین مادر حضرت عبّاس بود در تحفة الذّاکرین اوّل کسیکه از مدینهٔ مشرّفهٔ رسول مهاجرت را قبول کرد و روی بشهر فراهان آورد و در اینجا توطّن فرمود و هم در اینجا سعادت شهادت یافت و در همانجا مدفون گشت سلطان بن احمد بن حسن بن افطس بن علی الاصغر بن الامام علی بن الحسین علیهم السلام بود در تاریخ شیخ جعفر شوشتری ره و در خصائص الحسینیّه در بیان اوّل مخلوقات میفرماید اوّل مخلوقات نور حضرت پیغمبر صلّی الله علیه و آله میباشد یا نوران بزرگوار یا انوار سایر ائمّه پس بهر تقدیر میگوئیم بدرستیکه اوّل مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجههٔ اینکه پیغمبر صلعم فرمود حسین منّی و انا من حسین یعنی من از حسینم و حسین از من است پس او اوّل مخلوقات است و اوّل آن

چیز است که صادر شد از اوّل و هر مخلوق و شیخ الرّئیس
معاصر حائری گوید صادر اوّل نبودی حضرتش کو از ازل
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب در خبر آمده پس
از آنکه حبیب بن مظاهر اسدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت و طلب یاری کرد بروایت خصائص الحسینیه
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبد الله بن
بشر میگفتند و گفت منم اوّل کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس از آن شروع برجز خواندن نمود و در ثواب زیارت
زوّاره مقبول میان اعتبات در خصائص امام صادق علیه السلم
فرمود اوّل کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین
را ذات اقدس خداوند علیّ اعلا است و این کنایه است
از نوعیّه خصوصیّات الطاف کثیرهٔ الهیّه با جناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا و عطا فرمود بوی کاسه آبی که
نگه داشته بود او را از برایش فی وسائل المحبّین فی ترجمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التبریزی متّع الله المسلمین بطول بقائه اوّل کسیکه حسین
را بعد از دفن در این نشاء زیارت کرد از انبیاء پیغمبر خدا خاتم
انبیاء و از اوصیاء علی و از ملائکه جبرئیل و بعد میکائیل
بعد اسرافیل و در خصائص الحسینیّه آمده و امّا اهل این
نشاء اوّل کسیکه زیارت نمود آن سرور را بعد از دفن او

سیّد سجّاد بود وقتی که دفن نمود آن جسم مطهّر را بعد از
سه روز که بر روی خاک افتاده بود و ایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اوّل من یصافحه رسول الله و امیر المؤمنین
علیهما السّلام و اوّل قطرة من دمه یغفر له بها کلّ خطیئة
اوّل من انتقل من الکوفة الی القمّ من السّادات الرّضویه
کان ابو جعفر موسی بن محمّد بن علی الرّضا علیهم السّلام فی سنة
ستّ و خمسین و مأتین یعنی اوّل کسیکه از کوفه ببلده قم
از سادات رضویّه منتقل شد ابو جعفر موسی پسر محمّد بن
علی الرّضا بود در سال دویست و پنجاه و شش در مجلّد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلّی الله علیه و آله
انّ اوّل من اشفع له من امّتی اهل بیتی الأقرب فالأقرب
یعنی سیّد رسل فرمود که بتحقیق من اوّل شفاعت میکنم از
امّت خود قرب اهل بیت خود را اقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکّی قال النّبیّ لعلی انّ اوّل اربعة یدخلون الجنّة
انا و انت والحسن والحسین و ذراریّنا خلف ظهورنا و ازواجنا خلف
خلف ذراریّنا و شیعتنا عن ایماننا و شمائلنا یعنی فرمودان
حضرت ای علی اوّل چهار کانه که داخل بهشت شوند من
و تو و حسن و حسین میباشیم امّا ذرّیّه در عقب سر ما و زنان
مؤمنات ما در پشت سر انها و شیعیان ما در جانب چپ
و راست ما باشند اوّل کسیکه اختراع کرد دوربین را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از گوهر شاهوار
گران تر بمصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کوبنکوس
بود کذا فی تحفة العالم اوّل کسیکه مقام بر سر قبر حضرت
سیّد الشهداء ع بساخت اشجع سواران جهان محمّد بن ابراهیم
بن مالک اشتر نخعی بود در مونس الاحیا فی احوال المختار
بلسان الهندی للسیّد الجلیل محمّد تقی الموسوی المشهدی اوّل
کسیکه سکّه زد بر درهم و دینار عمرو بن کنعان بود فی عیون
اخبار الرّضا اوّل ضرب و سکّه که سلاطین مسلمانان از
اسلامبول زدند در سنه صد و هفتاد هجری بود بوزن و
عیاریکه خلفای بنی امیّه در دمشق معمول داشته بودند
در منتظم ناصری اوّل کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
بود اوّل کسیکه امر کرد بعمامه سبز که علامت سیادت
باشد ملک اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در
کتب اهل سنّت و جماعت مسطور است انّ هذه العمامة الخضرا
لیس لها فی الشّرع والسّنّة ولا کانت فی الزّمن القدیم وانّما
حدثت سنة ثلاث و سبعین و سبعمائة بامر الملک الاشرف
شعبان بن حسین مؤلّف گوید اکنون کم پانصد و سی و
دو سال است که معمول افتاده و این سیره ممدوح و شایع
گشته و منع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
بر أعمی و بصیر که اندلسی مولد است در شان عمامه سادات

انشاد کرده جعلوا الابناء الرّسول علامة انّ العلامة شان
من لم یشهر نور النبوّة فی وسیم وجوههم یعنی الشّریف عن الطراز
الاخضر وبعضی از افاضل نوشته‌اند پوشانید مامون
عبّاسی امام رضا علیه السّلام را و امر کرد بان لباس سبز
بنی هاشم که بپوشند اوّل کسیکه اتشکده ساخت و آتش
پرستید قابیل بن آدم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
تاریخ آورده در احوال پولس بن لامك که کان اوّل من سکن
القباب و در احوال تو بلسین بن لامك گوید کان اوّل من
ضرب بالونج والصّنج و در احوال تو بلقین بن لامك گوید
کان اوّل من عمل النحاس والحدید مؤلف گوید بولس
و تو ملسین و تو بلقین هر سه تن برادران نوح نبی الله بودند
و ابن اثیر گوید انّ اوّل من اتخذ الملاهی من ولد قابیل
رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتخذها فی زمان مهلائیل
بن قینان اتخذ المزامیر والطّنابیر والطّبول والعیدان و
المعازف فانهمك ولد قابیل فی اللّهو و در احوال مهلائیل
بن قینان گوید اوّل من بنی البناء واستخرج المعادن
وایضا فیه انّه امر اهل زمانه باتخاذ المساجد اوّل عربی
قسم للذکر مثل حظّ الانثیین عامر بن خشیم فی دور المعارف
اوّل من سیّب السّوائب عمرو بن یحیی اوّل من سنّ الدّیة
مأة الابل عبد المطّلب اوّل ما یلقی به الارض من وجهه

الذقن وقيل اوّل ما يلقى الارض هو الجبهة والأنف لا
الذقن اوّل من سمّاها جمعة الأنصار وذالك قبل قدوم
النبيّ صلى الله عليه وآله الى المدينه وقيل نزول سورة
الجمعة الخ في مشكلات العلوم النراقي قيل اوّل من سمّاه
جمعة كعب بن لوى لاجتماع النّاس فيه اليه وهذا الرّجل
اوّل من قال كلمة امّا بعد اجمع الاطبّاء على انّ القلب اوّل
عضو يتكوّن وآخر عضو يسكن وهو انّه اوّل عضو يحيى اوّل
من اخترع القول بحرمة اقامة الجمعه في زمان الغيبة
الشّيخ حمزه سلّار الدّيلمي تلميذ سيّد المرتضى والمفيد في
روضات الجنّات وقال صاحب روضات الجنّات مدّ
ظلّه في ذكر شيخ الورع الأمام خليل بن احمد النّحوي و
ابوه احمد كان اوّل من سمّى بهذا الأسم بعد رسول الله صلى الله
عليه وآله اوّل استرخاء اعضاء دماغ است اوّل كسيكه
مشرف ومستوفي قرار داد لهراسب شاه كياني بود كذا في
حبيب السّير اوّل پادشاهيكه بكسرى لقب يافت نوشيروان
بن قباد بود كذا في حبيب السّير اوّل كسيكه زن پدر خود را
بزنا گرفت شيرويه بود عبد الله بن بسر مازني اوّل شخصي است
كه رو بقبلتين نماز كرده وآخر صحابي است كه در شام در گذشت
در منتظم ناصري اوّل پادشاه مسلمانان اسپانيا كه خود
را خليفه وامير المؤمنين والناصر لدين الله لقب داد عبد الرّحمن

ستیم پادشاه اسلامبول بود بهم چنین خلفاء علوی افریقیه
بود در منتظم اوّل پادشاهی که در ایالات شمالی فرنگ
سکّه زد امپراطور کانوت اعظم پادشاه انکلیس دینارش
ونروژ بود وقبل از او طوایف دانمارك وسود ونروژ
معاملات خود را با شمش طلا ونقره مینمودند فی منتظم
اوّل کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حیّ علی خیر العمل
بگویند المستنصر علوی بود اوّل علامات خروج قائم
الائمّه طلوع ستاره داو داست که در آسمان دوام کند
وعالم هرج ومرج شود ومردم مختلف کردند در غایة
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود بعلی
بن ابیطالب علیه السّلام یا علی تو اوّل کسی هستی که بمن
ایمان آوردی ومرا تصدیق کردی وتو اوّل کسی هستی
که مرا در امر نبوّت من اعانت نمودی وبا دشمن من جنك
کردی وتو اوّل کسی هستی که با من نماز گذاردی وخدای
عزّ وجلّ بعزّت وجلال خود سوگند یاد کرده است که
از عقب صراط نگذرد مگر آنکه برات ولایت تو وولایة
ائمّه از اولاد تو با او باشد وتو اوّل کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی ودوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی ودشمنان خود را از آن برانی وتو رفیق منی در
وقتیکه بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب شفاعت

کنند و تو شفاعت ایشان کنی و تو اوّل کسی هستی که داخل
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقّه است و هر شقّه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و تو را صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل درخانه تواست و شاخهای آن درخانه
شیعیان تواست در غایة المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سیّده زنان عالم است از اوّل
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اوّل کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه از خز پوشیده بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود وصیّ و صاحب سخا و
وارث علم من و برادر من و اوّل مؤمنان در اسلام اوّل
ندائیکه امام عصر عجّل الله فرجه میکند اینست الا لعنة
الله علی القوم الظالمین چنانچه پیغمبر صلّم خبر داده باصحاب
که فرمودند ثواب اوا زدهد در ماه رجب اوّل ندا
کند الا لعنة الله علی القوم الظالمین اوّل کوهیکه اقرار
کرد بر امامت علی علیه السّلام کوه عقیق بود مرویست که
حضرت رسول صلّی الله علیه و آله بر علی علیه السّلام فرمود
یا علی تو اوّل کسی هستی که از قبر بر خیزی با من و اوّل کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و وقتیکه من

پوشانیده می شوم و اوّل کسی هستیکه در علیّین ساکن
شوی با من و اوّل کسی هستی که از رحیق مختوم بیاشامی با من
اوّل کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلّف گوید چه بسیار
ارباب اخبار اختلاف کرده اند و برخی بر آنند که یونس
نبی خیاطت مینمود و از این صنعت از آن جناب است و
الله اعلم اوّل کسیکه علم فراست را ظاهر نمود اقلیمون الحکیم
بود قالوا اهل السیر اقلیم الحکیم مصروفا بالفراسة و کان
یستدلّ علی اوصاف النّفس و ملکاتها بالصّورة و تنا
الخلقة فارادوا اختیاره فی ذلک فعمل تلامذة بقراط الحکیم
و صوّروا صورته علی لوح من عندهم واتوه بها و قالوا تامّل
فی هذه الصّورة و احکم بما عندک من اوصاف صاحبها
فلمّا تامّل فی دقائقها و تناسب اجزاءها قال صاحب
هذه الصّوره صاحب خدعة و مکر و فسق و هو یحبّ
الزّناء فلمّا سمعوا ذالک ارادوا قتله و قالوا ایّها الجاهل
انّه اعلی اهل الأرض و اعدلهم و اتقیهم و خیرهم فی جمیع
الأمور فقال انّما سئلتم عن علمی و اخبرتکم به فرجعوا
الی بقراط و اخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال و لکنّی لمّا رایت قبح هذه الأمور ترکتها و
حفظت نفسی عن مباشرتها صلوة الطّراویح الّتی هی من
بدع عمر تبّا اعترف به و لم ینکرها علیه جمع ترویحه و

هي المرّة الواحدة من الرّاحة كتسليمه من السّلام وسمّيت
لذالك لانّهم اوّل ما اجتمعوا عليها كانوا يسترجعون بين
تسليمتين في كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيّد على الميبدى سلّمه الله قيل انّ اوّل من وضع
الكتاب العربيّ والسّريانى والكتب كلّها ادم على نبيّنا و
اله وعليه السّلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها في
الطّين ثمّ طبخه فلمّا اصاب الارض الغرق كلّ قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسمعيل بن ابراهيم عليهما السّلام في كشكول
السّيد المذكور قيل اوّل من وضع الخاتم في يد اليسرى
جمشيد فقيل له لم تركت اليمنى مع اولى بالزّينة فقال قد
تمّت زينتها باليمن وقال الخوفى ذالك لم يزل اهل الفضل
محروما ولذالك كانت اليمنى مختارة الشّيعة في كشكول
السّيد المذكور احمد بن محمّد الهروى اوّل من صنّف في
غريب الحديث عرضه على عبد الله بن طاهر فاستحسنه
في وفيات الأعيان اوّل من تكلّم على مذهب الأماميّه
وصنّف كتابا فيه الأمام علىّ بن اسماعيل بن شعيب بن
ميثم بن يحيي ابو الحسن الميثمى الخ اوّل ظهار كان في الأسلام
ظهار اوس بن صامت من المجادله اوّل لعان كان في
الأسلام لعان هلال بن امية مع زوجته قال رسول الله
صلّى الله عليه وآله يا انس اوّل من يدخل عليك من هذا

الباب

الباب امیر المؤمنین و سیّد المسلمین و قائد غرّ المحجّلین
و خاتم الوصیّین قال انس کنت فی نفسی اللّهمّ اجعل
رجلا من الأنصار اذ جاء علی علیہ السّلام فقال من هذا
یا انس فقلت علی علیہ السّلام فقام مسرورا و استبشرا
فاعتنقه و یمسح عرق وجهه بوجهه الخ فی مطالب السّئول
قال رسول الله انا سیّد النّبیّین و علیّ سیّد الوصیّین
و انّ اوصیائی بعدی اثنا عشر اوّلهم علی علیہ السّلام و آخرهم
قائمهم فی مودّة القربی شافعی قال اوّل من خاصم من هذه
الامّة بین یدی الرّبّ تعالی علی علیہ السّلام و معویه
یعنی اوّل کسیکه خصومت از این امّت در قیامت نزد خدا
تعالی نماید علی علیہ السّلام با معاویه میباشد در فردوس
الاخبار پیغمبر فرمود که امر امّت بر میان رفتاری قائم است
تا قیام مردیکه او اوّل آنکس باشد که رخنه و خلل در
دین من بیندازد و از بنی امیّه نامش یزید میگویند در
فردوس الاخبار اوّل کسیکه سبقت کرفت بر ناخن زدن
بر بدن امام حسین علیہ السّلام حصین بن نمیر ملعون
بود در مصائب الزّینبیه شیخ عطار سنّی متعصّب در
مدح خلیفه اوّل کوید خواجه اوّل که اوّل یار اوست
ثانی اثنین اذ هما فی الغار اوست علّامه مجلسی رحمه الله
میفرماید که حق تعالی خلق کرد حوّا را از زیادتی طینت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی کردانیده بود
پس این را در خواب یاو نماند و این خواب اوّل خوابی بود
که در زمین دیدند پس بیدار شد و حوا را نزد سر خود دید
پس حق تعالی وحی کرد که ای آدم کیست اینکه نزد تو نشسته است
کفت آنستکه در خواب بمن نمودی پس با او انس کرفت و
نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی ره
منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اوّل چیزی
که از او خلق کرد دیدهای او بود پس نظر میکرد بسوی بدنش
که چکونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
هنوز پاهایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
لهذا حق تعالی میفرماید اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ عَجُولًا و نیز در
همان کتاب از حضرت صادق علیه السلام مرویستکه
اوّل کسیکه قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
را با آدم کفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
کردی اکر قیاس میکرد که آن جوهریرا که روح آدم را از آن
مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیش از آتش بود
قال رسول الله اوّل خلق الله یوم القیمة یکسی ابراهیم
یکسی ثوبین ابیضین فی ابن جوزی قال یا علی اما علمت
انه اوّل من یدعی به یوم القیمة انا فاقوم عن یمین العرش
و یساره و یلبسون حلة خضراء من الجنة ثم یدعی بالنبیین

بعضهم علی اثر بعض فیقومون سماطین علی یمین العرش ویبار
ویلبسون حلل خضرآء من الجنّة وانّ امتی اوّل من یدعی یوم
القیمة للحساب ثمّ انت اوّل من یدعی بک لقرابتک منّی و
منزلتک عندی و یدفع الیک لوائی وهو لوآء الحمد فی ابن
جوزی قال ابن عباس اوّل من شری نفسه ابتغآء مرضات الله
علیّ بن ابیطالب ع ابن جوزی در خطبه امیر المؤمنین میفرماید
اللّهمّ انّک تعلم انّی اوّل من اناب وسمع واجاب از عبد
الاوّل صوفی واو از علیّ بن محمّد بن بشران واو از حسین بن
صفوان واو از ابوبکر قرشی معروف بابن ابی الدّنیا زائر
اوّل جناب جابر است   جان فدای آنکه اوّل زائر است
اوّل کسیکه از سادات رضویّه بقم آمد ابو جعفر
موسی بن محمّد بن [illegible] بن موسی الرّضا علیه السّلام اوّل من بود در
سنهٔ دویست و پنجاه وشش اوّل الخلفاء من بنی امیه ام کوفت
وپیوسته برقع بر روی فرو [illegible] من اسلم من علماء اعراب قم
بدو پیغام فرستادند که تورا از [illegible] الملقب بالمعلم ما
بیرون باید کرد پس ابو جعفر [illegible] بن محمّد عیسی [illegible]
از قم بکاشان رفت دوکا [illegible] و مشعشع در احوال [illegible]
موسی مبرقع از مصنّفات [illegible] عمدة العلمآء العاملین
قدوة الفقهآء الکاملین حافظ الشّریعه وفخر الشّیعه
ثالث مجلسین المبرء من کل شین مولانا الجلیل الحاج میرزا

حسین النوری الطبرسی نور الله قلبه صاحب حقائق الأوهر
گوید اول چیزی که در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هندی
است و اشاره باین آیه الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمةً طیبةً
کشجرةٍ طیبةٍ اصلها ثابتٌ و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حینٍ
باذن ربها و ابن مردویه از عبد الله بن عباس روایت کند
که ابن عباس گفت در تفسیر تؤتی اکلها کل حینٍ ان درخت
جوز هند است مؤلف گوید جوز همان نارجیل معروف
است و آن درختی است شبیه بنخل خرما و بعد از هفت
از غرس آن گر گذشت ثمر خواهد داد و در جه [illegible] نارجه [illegible]
شبیه شیر است و بسیار خوش طعم می [illegible] گوی [illegible] ثمر
درخت نارجه بصد سال است د [illegible] جوش [illegible] قاموس
گوید و فی [illegible] جمل بن قرط الا [illegible] صحابی لانه
ب از حضرت حض
اول ع [illegible] شیطان لعین است اول من
سیکه قیاس کرد شیطان
کتب فی [illegible] بن اصبغ بن محمد القرطبی
گفت مرا از آتش خلق کردی
اللغو [illegible] محمد لسی اول من نقح علم الحکمة و
[illegible] یها و قرر طلب اثبات المدعی و طریق التوجیه
ارسطاطالیس تلمیذ افلاطون وکان قبله یاخذون الحکمة
تقلیداً و لذا یقال له المعلم الأول و هو اول من اسس
اساس المنطق و وضع علمه و خالف استاده و ابطل التناسخ
و هو اول من وضع علم المجسطی و عرف حرکات الأفلاک

وسير الكواكب بالبراهين الهندسية ووضع الأسطرلاب
والتقويم هو بطليموس الحكيم قال شارح رسالة ابن زيدون
بطليموس صاحب كتاب المجسطي الكبير في جغرافيا والأسطرلاب
وكتاب اللحون الثمانية وغير ذالك وهو اوّل من شرح القول
على هيئات الفلك واخرج علم الهندسة من القوة الى
الفعل واكثر الرواة يقولون انه ثالث ملوك اليونان
بعد الاسكندر وبطليموس لقب ملوكهم وقال بعض محققي
التاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن احد ملوك الروم
بعد اليونان في كشكول السيد العالم المعاصر علي بن محمد
علي الحسيني الميبذي اليزدي سلمه الله تع اوّل من وضع
علم الطلسمات هو بليناس الحكيم اوّل من وضع الشطرنج
ناموج بن حام بن يافث بن نوح عليه السلام اوّل من ابطل
الحد الشرعي هو الأول وقيل اوّل الخلفاء من بني اميه
وهو معويه كما في ربيع الأبرار اوّل من اسلم من علماء الحكمة
والفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابي الملقب بالمعلم
الثاني وهو اوّل من شرب الخمر واتبع الشهوات من الحكماء
قال علي بن ابي طلحه اوّل شيء اكله ادم عم حين هبط الى الأرض
الكمثرى في سبحة المرجان اقول قال صاحب حسن الوسائل
اوّل ما اكل ادم عم من ثمار الارض حين اهبط النبق واقول
لا يخفى على الطبع السليم اذ لا منافاة بين الأثرين لان اكل

فی اولیته اکله من ثمار الارض بخلاف الأوّل والسّبق
ثمّ السّدر اوّل کسیکه مدفون شد در خاك نجف خباب
بن الأرت بود از اصحاب رسول خدا علی علیه السّلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود و در غزوهٔ
صفّین ونهروان مورّخین متفقند در رکاب امیر المؤمنین
حاضر بوده و چند سال در کوفه اقامت کرد و در انجا وفات
فرمود فی الخبر صلّی علیه علی علیه السّلام و وقف علی قبره
وقال رحم الله خبابا اسلم راغبا وهاجر طائعا وعاش
مجاهدا وابتلی فی جسمه احوالا ولا یضیع الله اجر من احسن
عملا و شیخ ابو علی صاحب منتهی المقال و دیگران از ارباب
رجال در کتب رجالیّه مرقوم داشته اند اوّل کسیکه میثاق
گرفت از مردم برای دیگری اوّل بود که بجهة ثانی گرفت
اوّل کسیکه در عالم شعر گفت آدم صفی الله بود و سبب
آن بود که چون بفرمان ربّ الأرباب آن مظهر پاك بر
عالم خاك نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود گرد عالم سبزا متفکر دید و ربّنا ظلمنا گویان جویان
عفو کریم میبود و بعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از آن بقدوم اولاد کرام تسلّی شد در آن حال هابیل
مظلوم را قابیل مشوم بکشت وآدم را از غربت و ندامت
تازه شد در آن حال بقتل هابیل و ندامت دنیا آدم

خباب [illegible]

در مرثیه

در مرثیه فرزند شعر گفت وشیخ ابو علی مسکویه معاصر شیخ الرئیس ابو علی سینا در کتاب اداب العرب والفرس این قصیده را بدین منوال بیان میفرماید که قال الحسین بن علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفه فی الجامع اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین انی اسئلک عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام قال وما کان شعره قال علیه السلام لما انزل من السماء فی الارض فرای تربتها وسعتها وهواها وقتل قابیل هابیل فقال علیه السلام

تغیرت البلاد ومن علیها فوجه الارض مغبر قبیح
تغیر کل ذی لون وطعم وقل بشاشة وجه الملیح
فوا اسفا علی هابیل ابنی قتیل قد تضمنه الضریح
وجاورنا عدو لیس یفنی لعین لا یموت فنستریح

فاجابه ابلیس علیه اللعنه

تنح علی البلاد وساکنیها وفی الفردوس ضاق بک الفسیح
وکنت بها وزوجک فی قرار وقلبک من اذی الدنیا مریح
فلم تنفک من کیدی ومکری الی ان فاتک الخیر الربیح
فلولا رحمة الجبار اضحی یکفیک من جنان الخلد ریح

اول فتنة فی بنی اسرائیل کانت فی النساء وعن النبی انه قال اول قریش هلاکا اهل بیتی اخرجه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکسی حلة من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

رجل انظر مسترا و کحاعنه اوّل چیزیکه از زن سؤال نمایند
در روز قیامت از نماز او است و بعد از شوهرش وقتیکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از انعهد الی الحال باقی است و نیست تنی
که ابله بیرون نیاورد اگرچه بیرصد سال عمر باشد
اوّل زمانیکه اختراع ابله کوبی شد سنه احدی عشرة
ومأتین بعد الالف اوّل سکّهٔ که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل از آن بر دینار بخط
رومی نقش می شد و بر درهم بخط فارسی بوده اوّل وقتی
که ظاهر شد شرب تتن و تنباك و اساس شطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عباس صفوی اوّل در بلاد آذربایجان استیلا یافت
اوّل کسیکه علم باروت ساختن را و وضع قونبره در میان
نهاد یکی از علمای فلاسفهٔ اسکندریّه مصر بود در سال
چهلم هجری و در همان سال معویه بر سریر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابوبکر شیرازی گوید اوّل کسیکه از حزب
احد بگریخت عثمان بود در کامل البهائی اوّل زمانی
که استعمال انفیه شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اوّل من اخترع الخط البدیع الذی
یعرف ایضا بخط النسخ بعد ما کان المدار علی الخط الکوفی

هو الشيخ محمد بن علي بن مقلة الوزير في عصر المتوكل العباسي وما بعده ثم اخذ في تجويده وتنقيحه ياقوت المستعصمي الذي هو من اقران العلقمي الوزير رايت صحيفة السجادية بخطه الشريف عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب المعاصر الشيخ علي الخراساني الحائري الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام فضله اول من انتقل النسخ الى خط النسخ التعليقي هو المير علي استاد المير عماد الحسيني المشهور الذي كان في عصر السلطان شاه عباس الموسوي الثاني اول من خط المنكسر هو المولا شفيعا الاصفهاني اول من ابدع التصوف هو ابو هاشم الكوفي اول من حلق راسه هو ابونا آدم الصفي عليه السلام اول حكيم لازم باب الحكام هو ابو علي الرئيس وهو اول من كتب في تسخير الجن على ما هو الظاهر ابو الفضل محمد بن احمد الطبسي صاحب كتاب الشامل وهو كتاب كبير مبسوط رايت نسخة منه في سنة سابع وثلثمائة بعد الألف في بيت احد الفضلاء البصرة وكان هذا الشيخ معاصرا للشيخ ابو حامد الغزالي اول من كتب في الملل والنحل المختلفة محمد الشهرستاني وكتابه المذكور طبع في بلدة مصر وايران وهو الآن مشهور بين الخاص والعام اول من خط بالعربي هو مرار ابن مرة الأنباري واول من نقل الخط الكوفي من الحيرة الى الحجاز هو حرب بن امية اول ما يوضع في الميزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

مرفوعا اوّل ما یوضع فی میزان العبد نفقته علی اهله
اوّل ما یتکلّم من الآدمی فخذه وکفّه اوّل من یدخل الجنّة
التّاجر الصّدوق عن ابی ذر مرفوعا اوّل طعام یاکلوه اهل
الجنّة زیادة کبد الحوت اوّل زمانیکه وضع کرده شد تاریخ
فرنستیه در سنه ۱۲۰۷ هجری بود وابتداء تاریخ جلالی که معمول
علیه منجّمان عصر است سنه ۴۷۱ بود وابتدای تاریخ ایلخانی
در سنه ۷۰۱ بود اوّل زمانیکه روزنامه نویسی مخترع کشت
که بنویسند وباطراف جهان روانه دارند واخبار عالم
رابیکدیکر رسانند در ممالک اروپا در سال احدی وخمسین
بعد الالف اوّل زمانیکه تلغراف مخترع شد وشیوع یافت
سنه ست ومأتین بعد الالف بود اوّل زمانیکه کاغذ
مخترع شد در مملکت ختا در سال صد بعد از ولادت
عیسی ع بن مریم در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه شراب
انکور ساخته شد در مملکت جرمانیا در زمان دولت
پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
در تاریخ انکلیسیه اوّل زمانیکه کاغذ از پنبه ساخته
شد در سمرقند سنه ثمان وعشرین هجری بود اوّل زمانی
که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
سنه تسع وثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهی اوّل
زنیکه از لشکر امام حسین ع کشته شد زوجه وهب بن

عبد الله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال باشرار
است عمود بدست خود گرفت و بجای شوهر جوانش آمد و میگفت
فداك ابی و امّی قاتل دون الطیّبین حرم رسول الله و
چون شوهرش با دست بریده کشته شد زن ببالینش آمد
و خون از روی او پاك میکرد شمر اشاره بغلام خود غلام
عمود آهنی بسر او بزد که سر آن زن شکافته شد و شهید
گشت و بعد از آن مادر وهب بمجادله قدم نهاد پس از
آنکه بروایت بحار سر فرزند را برداشت و بعد از آن
بسوی لشکر پسر سعد انداخت و یکنفر را بآن کشت پس
عمود خیمه برداشت بر آن گروه حمله کرد و دو نفر را کشت
امام علیه السّلام فرمود ارجعی یا امّ وهب انت و ابنك
مع رسول الله فانّ الجهاد مرفوع عن النّساء اوّل کسیکه
احمد نامیده شد خاتم رسل محمّد مصطفی صلّی الله علیه و
اله بود درخت بادنجان اوّل درختی است که شهادت
بربوبیّت ربّ و نبوّت نبی و امامت ائمّه اطهار کرد در
سماء العالم اوّل کسیکه یوسف نامیده شد یوسف بن
یعقوب ع بود در خبر است که چون خداوند صورت
انبیاء را بآدم ع نمود وی ایشانرا دید در آسمان ششم
یوسف را با تاج و جلال چنانچه در اخبار رسیده دید
عرض کرد خدایا این کیست ندا رسید که یکی از اولاد تو ا

که مردمان براو حسد برند بجهة انچه باو عطا نمایم
عرض کرد آن چه باشد ندا رسید خطی از حسن ادم او را
در بر گرفت فرمود لا تاسف یا بنیّ وانت یوسف فی زبدة
التّصانیف مولانا حمید واوّل مولودیکه در اسلام
بدنیا امد عبداللّه بن زبیر بود اوّل کسیکه مرثیه
گفت برای امام حسین علیه السّلام بجار بود اوّل
کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
خواجه است نسخه ازان دیده شد اوّل اذانی که بلال
گفت بر کوه ابو قبیس بود در فتح مکّه اوّل خداوند از ملائکه
میثاق گرفت واوّل کسی که بلی گفت حجر الاسود بود از ائمّه
طاهرین روایت شده که خداوند وقتیکه اخذ میثاق
کرد بربوبیت خود ونبوّت محمّد مصطفی صلّی اللّه علیه واله
وبوصایت علی علیه السّلام تمام ملائکه صوامع جبروت
وباریافتگان عالم ملکوت بلرزه افتادند اوّل کسیکه
از ملائکه سرعت نمود باقرار باین میثاق حجر الأسود بود
واز این جهة خدا او را اختیار کرد ومیثاق را بدهن او سپرد
وحجر الأسود بیاید در روز قیامت وبرای او باشد لسان
ناطق وعین ناظر وشهادت دهد برای هرکس که بانمکان
امده ومیثاق را حفظ نمود وحجر را از بهشت بیرون اورد
تا اینکه ادم متذکر شود انچه را که فراموش کرده از عهد

ومیثاق اود ر وسائل وانوار النعمانیه سیّد جزائری اوّل رایتیکه از کوفه بر پا شد در خلاف امیر المؤمنین علیه السلام رایة ربیع بن خیثم بود اوّل خطبه که پیغمبر برای مسلمین فرمود در سال اوّل هجرت بود در منتظم ناصری اوّل جزیه عجم در اسلام مصالحه اهل حیره با خالد به نه هزار درهم در سنهٔ یازده هجری در منتظم اوّل سراپردهٔ که در منی زده شد سراپرده عثمان بود که در سال ۲۹ حج کرد در منتظم اوّل مقصوره که در مدینه ساخته شد مقصوره مروان بن حکم بود در منتظم اوّل کلمهٔ که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود در نهج البلاغه فی بدء اوّل کلمهٔ که ذکریّا گفت در وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد الاحد الصمد فی تاریخ وقتیکه آدم ع هبوط بزمین نمود اوّل کلمهٔ بزبان سریانی گفت فارسیش اینست شکر توانائی راکه از عالم نور بندهٔ خاکی خود را بعالم خاک رسانید در تاریخ وقیل انّ اوّل من تکلّم بالعربیّة آدم علیه السلام فی الجنّة فی حلّ المشکلات فی المسائل المهمّات اوّل من لقب بالصّاحب من الوزراء اسماعیل بن عبّاد فی تاریخ ابو الفداء اوّل من ینتصر ملوک الرّوم هوشاپور ذی الاکتاف فی ابن اثیر اوّل من بنا القبه علی الفاطمة زینب سلام الله علیها بنت امام الجواد ع اوّل من اتّخذ

له النعش فاطمه علیها سلام الله اوّل من اتخذ الرایات الخلیل اوّل من
رمی فی سبیل الله سعد بن ابی وقاص اوّل من صاحب لقمان الحکیم
فی جعفریات اوّل شهید فی الاسلام مهجع فی جعفریات اوّل مولود فی الاسلام
عبدالله بن زبیر فی جعفریات اوّل من دفن فی البقیع اسعد
بن زراره فی جعفریات اوّل من ارتبط الفرس فی سبیل الله
المقداد فی جعفریات اوّل من سمّی محمدا نبیّنا صلی الله علیه
و اله فی جعفریات اوّل من سجد لله شکرا امیر المؤمنین
علیه السّلام لیلة المبیت واخبره لسلامة نفسه الشّریف
فی جعفریات اوّل من تجلّی له الحق بهویّته الذّاتیّة السّاریه
فی المظاهر الکونیّة کلّها واوّل من خلع الله علیه صفاته
الثّبوتیّة الحقیقة من اولاد ادم علیه السّلام بعد الفناء
فیه والبقاء به ابراهیم الخلیل علیه السّلام در ناسخ
امده فیثاغورس اوّل کسیکه ردّ بر اقوال دهریّون
وطبیعیون از امیر المؤمنین است که خداوند عرضه داشت
ولایت مرا بر طیور کرد اوّل کسیکه از انها قبول کرد باز سفید
و قبّره که نوعی است از عصافیر در نفائس الاخبار در
خبر در سماء والعالم مجلّد بحار روایت کرده قبّره مرغی
است که هدیه برای حضرت سلیمان اورد هدیه او را
قبول کرد و دست بر سر او کشید و از برای ایشان دعا
کرد و از اثر دست انجناب کاکل بر سر انها روئیده شد

مؤلف کوید مناسب این خبر ابیات اشعار دیده شد

جاءت سلیمان یوم العید قبّرة اتت بفخذ جراد کان فی فیها
ترنّمت بفصیح القول واعتذرت انّ الهدایا علی مقدار مهدیها

ونیز بفارسی انشا شد بجهة تحف بجانب بزرکان

لایق نبود قطره بعمّان بردن خار و خس صحرا بکلستان بردن
امّا چکنم که رسم موران باشد پای ملخی نزد سلیمان بردن

وایضاً علی علیه السّلام فرموده که اوّل مرغیکه از ایشان انکار نمود بوم و عنقا بودند امّا بوم از صفت او اینست که در روز ظاهر نمیشود بجهة عداوت سائر طیور با او و امّا عنقا پس او میان دریا پنهان می شود اوّل کسیکه در عقاید حقّه امامیه تصنیفی نمود شیخ جلیل خواجه نصیر الملّة والدّین محمّد بن الحسن الطّوسی بود کتاب تجرید در معرفة و توحید نام نهاده یقول صاحب کافی الکفات فی مدح علی علیه السّلام حاله حالة هرون لموسی فافهما اعلی حبّ علیّ لامن القوم سفاها اوّل النّاس صلوة جعل التقوی حلاها ردّت الشّمس علیه بعد ما غاب سناها در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی کوید قال اهل السّیر اوّل هاشمیّة ولدت خلیفة هاشمیّة ولا یعرف خلیفة ابواه هاشمیّان سوی امیر المؤمنین علیه السّلام وهی اوّل امراة هاجرت عن مکّة الی المدینة ماشیة حافیة وهی

اوّل امرأة بايعت رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم بمكّة
بعد خديجة في تذكرة خواص الامّة اوّل من اسلم من الصّبيان
على عليه السّلام في ابن جوزى اوّل من قال فما عدا فيما بدا
هو امير المؤمنين على عليه السّلام قال العالم الفاضل
النّبيه العلّامة النّوري نوّر الله قلبه اوّل من سنّ القتل
والظّلم هو قابيل بن آدم اوّل من ينتصر من آل نصر بن
ربيعة وهو بهرام بن هرمز بن سابور في ابن اثير اوّل
شجرة غرست في الأرض العوسجة ومنها عصاء موسى في
حيوة القلوب اوّل من اخترع البديع وسمّاه بهذا التّسمي
عبد الله بن المعتزّ العبّاسي قال في صدر كتابه وما جمع
قبلي فنون البديع احد ولا سبقني الى تاليفه مؤلّف و
الّفته في سنة اربع وسبعين ومأتين فمن احبّ ان يقتدي
بنا ويقتصر على هذه فليفعل ومن اضاف من هذه المحاسن
او غيرها شيئًا الى البديع وارتأى غير راينا فله اختياره
قال السّيّد على خان في انوار الرّبيع كنت اظنّ انّ اوّل
من نظم انواع البديع على هذه الأسلوب البديع فضمّن
كلّ بيت نوعا والقاد لشموس هذا المرام طوعا هو الشّيخ
صفي الدّين الحلّي رة اوّل من انتقل الى مكّة المشرّفة من شيراز
السّيّد محمّد معصوم بن على بن نظام الدّين احمد بن محمّد
معصوم بن احمد نظام الدّين بن ابراهيم شرف الملّة بن محمّد

[illegible]

صدر الدّين

صدر الدین بن اسحق عز الدین بن علی ضیاء الدین بن عمرشاه
فخر الدین بن امیر عز الدین ابی المکارم بن امیر خطیر الدین
بن الحسن شرف الدین ابی علی بن الحسین ابی جعفر العربی
بن علی اباسعید الضّبینی ابن زید الأعثم ابی ابراهیم بن علی
ابی شجاع الزّاهد بن محمّد ابی جعفر بن علی بن الحسین بن جعفر
ابی عبدالله بن احمد نصیر الدین السکین النّقیب ابن جعفر
ابی عبدالله الشّاعر بن محمّد ابی جعفر بن محمّد بن زید الشّهید
بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب فی القاموس والهالکی
الحدّاد والصّیقل لانّه اوّل عمل الحدادة الهالک بن اسد بن
قاموس اوّل کسیکه کلمهٔ امّا بعد گفت داود نبی است یا کعب
بن لوی اوّل لوائی که در اسلام بپا شد لوائی بود سفید
که برای حمزه رسول خدا صلعم بست و مامور نمود بسر راه قریش
در منتظم ناصری اوّل کسیکه خانه کعبه را جامه پوشانید
تبّع یمن اسعد ابوحرب حمیری بود و او معاصر گور ساسانی بود
در تاریخ نزهة القلوب حمدالله مستوفی از الحو ریاحی اوّل
نفاق مسلمین در حفر خندق و نازل شدن آیهٔ اِذْ یَقُوْلُ
الْمُنَافِقُوْنَ الخ در سنه پنج هجری فی منتظم و اوّل قضای نماز
عصر که با نماز عشای شب خوانده شد فی منتظم اوّل سالی
که منبر برای وعظ و خطبه ساخته شد در سال هفت هجری
بود در منتظم ناصری اوّل تاریخی که بعد از وفات حضرت

رسول صلعم بمسلمین رسید خبر قتل ذوالخمار سهله بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اوّل کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یک ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبینا
وآله وعلیه السلام بود چه در تواریخ آمده یازده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند و هر دو تن بر سر یک ظرف طعام
بن یامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السلام که با بنیامین
از یک مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنشست
اوّل کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهوا طیران نمود ارسطا
طالیس حکیم بود و اکنون ارباب صنایع فرنک ساخته‌اند
اوّل ظهاریکه در اسلام واقع شد قصّهٔ اوس بن صامت
است با زوجه‌اش خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه و این
قصّه چنانستکه اوس خواست وقتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد کفت بزن خود انت
علیّ کظهر امّی تو بر من چون پشت مادر منی و این طلاق
جاهلیّت بوده پس نادم شد اوس بزن کفت کمان نمیکنم
که تو حلال باشی از برای من پس کفت برو از پیغمبر صلّی الله
علیه وآله سؤال کن زن بخدمت پیغمبر آمد و حکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صیحه زد و ناله کشید و عرض کرد بار پروردکارا بفرست
بر زبان پیغمبر خود چیزیرا عایشه سر پیغمبر را شست و شوی

داد

داد دران حال وحی امد و اٰیهٔ ظهار قَدْ سَمِعَ اللهُ قَوْلَ الَّتِی
تُجَادِلُکَ فِی زَوْجِهَا نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود
می توانی ازاد کنی غلامی را عرض کرد قوّه ندارم فرمود دو
ماه پی در پی روزه بدار عرض کرد من پیر و ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدهی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم تورا بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میدانند
که افقر از من در میان مکّه و مدینه نیست فضحک رسول
الله وقال اذهب الی اهلک اوس خوش دل شد اوّل
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنه اربع وخمسین وثمانمائه
بود اوّل زمانیکه باسمه سنگی مخترع گشت سنه هزار و
دویست و ده هجری بود اوّل زمانیکه قند از چغندر
ساختند سنه اثنا عشر ومأتین بعد الألف بود و در
این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده
واقا سید مهدی بحر العلوم طباطبائی وفات نموده واقا
سیّد مرتضی واعظ جدّ مؤلّف این رساله تولّد یافته
اوّل کسیکه بخندق کندن و نقّاره زدن صبح وشام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب السّیر افسطوس که در
سلک حکّام فرنگ انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت وافسطوس در حبیب السّیر اوّل پادشاهیکه

اورا قیصر خواندند بتقریب آنکه وقتیکه متولّد میشد
مادرش فوت شد شکم مادرش را شکافتند اورا بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنکستان قیصر گفتند وچون
بسنّ رشد وجهانبانی رسید بهمان نام قیصر میخواندند و
تمامی ممالک روم وشام ومصر بحیّز تصرّف وتسخیر او درآمد
در حبیب السیر والبربر جیل من النّاس یقال اوّل من سمّاهم
بهذا الأسم افریقیس الملک لمّا ملک بلاد وقد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی مجمع البحرین هذا ما ناجی به امیر المؤمنین
علیه السّلام عند قبر النّبی صلّی الله علیه وآله اللهمّ هذا
اوّل العدد وصاحب الأبد ونورک الّذی قهرت به
غواسق العدم وبواسق الظلم وجعلته منک ولک والیک
وعلیک دالّا دلیلا روحه نسخة الأحدیّة فی اللّاهوت
وجسده صورة معانی الملک والملکوت وقلبه خزانة
الحیّ الّذی لا یموت طاوس الکبریاء وحمام الجبروت تبیین
قال علی علیه السّلام انّه صلّی الله علیه وآله اوّل العدد
وهذا لانّه کان صلّی الله علیه وآله اوّل ما خلق الله وما
کان قبله موجود سوی الباری تعالی وهو الأوّل بلا
آخر ولکنّه لیس من قبیل الأعداد ولا یطلق علیه انّه عدد
کما قال به اهل الحساب لأنّه تعالی واحد والواحد علی
الأصحّ لیس عددا فعلی هذا اوّل العدد هو النّبیّ صلّی الله

فی اللغة لقب لملک الروم [illegible] فی القاموس منه سلّمه الله

علد

علیه و آله اذ هو ثانی الموجودات و اوّل الممکنات و ثانی الواحد عدد بلا خلاف و هیهنا زیاده الکلام لتوضیح المرام خداوند منّان عزّ شانه در کلام مجید در چند محل ذکر اوّل میفرماید در سوره آل عمران میفرماید اِنَّ اَوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِیْ بِبَکَّةَ مُبَارَکًا وَهُدًی لِلْعَالَمِیْنَ و در سورهٔ انعام میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ الخ و نیز در همین سوره میفرماید وَلَقَدْ جِئْتُمُوْنَا فُرَادٰی کَمَا خَلَقْنَاکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و نیز در همین سوره می فرماید وَنُقَلِّبُ اَفْئِدَتَهُمْ وَاَبْصَارَهُمْ کَمَا لَمْ یُؤْمِنُوْا بِهٖ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِیْ طُغْیَانِهِمْ یَعْمَهُوْنَ و نیز در همین سوره میفرماید لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمِیْنَ و در سورهٔ اعراف میفرماید فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَکَ تُبْتُ اِلَیْکَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِیْنَ و در سورهٔ توبه می فرماید اَلَا تُقَاتِلُوْنَ قَوْمًا نَکَثُوْا اَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوْا بِاِخْرَاجِ الرَّسُوْلِ وَهُمْ بَدَؤُکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و نیز در همین سوره می فرماید اِنَّکُمْ رَضِیْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخَالِفِیْنَ و نیز در همین سوره میفرماید لَا تَقُمْ فِیْهِ اَبَدًا لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَی التَّقْوٰی مِنْ اَوَّلِ یَوْمٍ الخ و در سورهٔ کهف می فرماید لَقَدْ جِئْتُمُوْنَا کَمَا خَلَقْنَاکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و در سورهٔ طه می فرماید قَالُوْا یَا مُوْسٰی اِمَّا اَنْ تُلْقِیَ وَاِمَّا اَنْ نَکُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَلْقٰی و در سورهٔ

انبیاء میفرماید یَوْمَ نَطْوِی السَّمَآءَ کَطَیِّ السِّجِلِّ لِلْکُتُبِ کَمَا بَدَءْنَا اَوَّلَ خَلْقٍ الخ و در سورهٔ شعرا می فرماید اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ یَّغْفِرَ لَنَا خَطَایَانَا اَنْ کُنَّا اَوَّلَ الْمُؤْمِنِیْنَ و در سورهٔ یس می فرماید قُلْ یُحْیِیْهَا الَّذِیْ اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ الخ و در سورهٔ زمر میفرماید قُلْ اِنِّیْ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَّهُ الدِّیْنَ وَاُمِرْتُ لِاَنْ اَکُوْنَ اَوَّلَ الْمُسْلِمِیْنَ و در سورهٔ حم سجده که فصّلت باشد می فرماید وَهُوَ خَلَقَکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَّاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ و در سورهٔ زخرف میفرماید قُلْ اِنْ کَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَاَنَا اَوَّلُ الْعٰبِدِیْنَ مؤلف گوید دانایان دانند که در قران مجید لفظ اوّل بسیار است ولجهة تیمّن و تبرّک بهمین چند آیه اکتفا نمودیم اوّل خطبه که رسول خدا صلّی الله علیه و آله خواند در قبا بود چون پیغمبر ساز مدینه کرد در روز جمعه از قبا بیرون شد و بر شتر خویش بنشست چون بقبیله بنی سالم ابن عوف رسید هنگام نماز جمعه در آمد و ایشان قبل از ورود پیغمبر مسجدی از بهر خود بنا کرده بودند پس آن حضرت از ناقه بزیر آمد و در آنجا رفت و خطبه ادا فرمود بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی احمده واستعینه واستغفره واستهدیه واومن به ولا اکفره واعادی من یکفره واشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

وارسله

وارسله بالهدی والنّور والموعظة علی فترة من الرّسل
الخ وتمام این خطبه در کتب اخبار شیعه واهل سنّت در قصّه
هجرت مرقوم داشته اند واین خطبه در انعقاد جمعه مقرّر افتاد
وان اوّل خطبه ونماز جمعه بود که در آن اراضی بپای رفت
قال السّیّد علی خان فی سلوة الغریب اوّل من انتقل من
اجدادنا الی شیراز المحروسه علیّا اباسعید النّصیبی قال
علی علیه السّلام ما لابن آدم والفخر اوّل نطفة واخره جیفه
فی نهج البلاغه ونیز امیر المؤمنین علیه السّلام می فرماید
الحمد لله الاوّل قبل کلّ اوّل والآخر بعد کلّ آخر باوّلیّته
وجب انّ الاوّل له وباخریّته وجب ان لا آخر له فی نهج
البلاغه اوّل شهریکه بخوزستان بعد از طوفان نوح بنا شد
شوشتر است در فرهنگ انجمن آرای ناصری اوّل حکم
عمر عزل نمودن خالد بن ولید ونصب ابو عبیده جرّاح
بود در منتظم اوّل صلوة جمعه که در عراق بجای آورده
شد در ماه صفر سنه شانزده هجری بود در روز جمعه
صلوة فتح بود که سعد بن وقّاص در ایوان کسری بجا آورد
اوّل شیاع علم کیمیا در میان اعراب در سال صد و
بیست ویک هجری بود اوّل متخلّص از خلفای علویّین ابو
محمّد عبد الله بن محمّد العلوی بود فی منتظم ناصری تالیف
اعتماد السّلطنه زید عزّه اوّل کسیکه بوق ساخت نمرود

بود در مجالس المتقین شهید امده در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذابی بجهة نمرود وقومش خداوند پشه
فرستاد بروایتی ان قدر پشه امد که مردی واحد هزار
پشه کرد امد از خوردن وخفتن ونشستن وایستادن
ماندند متحیرانه عاجز وهلاک می شدند حتی پشه‌ها
جمیع لباسها وکوشتهای ایشان وزین واسباب اسبان
بخوردی نمرود کفت خانه از مس بجهة او ساختند
که هیچ شکافی نبود در او مکر یک سوراخ بسیار تنک
همان قدر که نفس بیرون اید حق تعالی پشه فرستاد
تا از ان شکاف داخل شد اما از تنکی سوراخ یک پر
او هم شکست ودر بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی تا سیزده شبانه روز مغز سر او بخورد نمرود بی
طاقت شد امر کرد تا بوقها ساختند ومیزدند تا
او از بوق بودی ساعتی ارام بودی کویند اولک بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف کوید توجیه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سلاطین است که اورا کرنا خوانند یا بوق
دراویش وقلندران وقلاشان است یا بوق حمامی
است که بجهة اخبار مردمان زده می شود ایلو حکیم اول
من وضع الفوتوغرافیا رجل فرانساوی اسمه شارل وهرل
انکلیسی اسمه داقی داول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اوکیا

اوّل ما عمل الشمع فی الهند واستحضر وضع منه فی بلاد البندقیه
ثمّ فی البورتوغال ثمّ فی اسپانیا ومن هناک امتدّت معرفة
عمله الی فرنسا فی کتاب درّ المکنون اوّل کسیکه در ممالک
ایتالیا لوای حکمت برافراشت و در نشر علوم و ثبت حکم
پرداخت و هنوز در آن ملک قانون دولتی و بنای سلطنتی
میبود در ناسخ التواریخ اوّل خون شوکای مانک بن نجما اسدرین
اوّل سلاطین چین است در ناسخ التواریخ از دختر حضرت
خاقان مغفور حاجیه شمس الدوله اوّل کسیکه از این
سلسله رجالاً و نساءً بمجاورت عتبات اختیار نمود در تاریخ
خاقانی از تالیفات سلطان احمد میرزا عضد الدوله

اوّل وقتیکه استعمال باروت شیوع یافت در سنه
ششصد و هشتاد و شش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اوّل زمانیکه توپ ساختند در سنه هفتصد و شصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمة الکتاب ابوذر گفت
انّ رسول الله قال لعلی اوّل من آمن بی و اوّل من یصافحنی یوم
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اوّل کسیکه ایمان آورد
بمن و اوّل کسیکه در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکت الفصول عجلی آمده که فاطمه را رسول
بشارت داده که اوّل کسیکه بمن رسد از اقربای من توئی یا
فاطمه اوّل بنو هاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی

در مدح امیر المؤمنین علی علیه السّلام میگوید نقد ان گنج
علم بی پایان نیست دیگر بجز علی اعلا کو حکیم است و عالم اشیا
اوّل حق بود بلا اوّل آخر حق بود بلا آخر و در جای دیگر گوید
اوّل آخر او بود در دین ظاهر و باطن او بود بجدا بنام اوّل
الائمه ختم شد بر ارباب فضل مخفی نماناد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله و له المنّة که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری اجداد طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیّز تحریر
در آورده و بر صفحه ظهور جلوه گر خواهد بود شکراً لایزد فیض
حق تعالی ختم شد این نامه در قرب سه سال حالتی خواهیم
ما از روی حال لیک باید بنظر از خیال تا شود مقبول
طبع خاص و عام للنبی منا تحیت و السّلام الحمد لملهم
الرّائر کامد بمبارکی باخر پیوست بخوشترین زمانی انجام
در عام هزار و سیصد و هشت اتمام الحمد لله اولا و آخرا و
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمّد و اهل بیته الطّاهرین
و قد تمّت هذه الرسالة الشریفه فی اخبار الاوائل مع
تودّد البال و کثرة الاشتغال فی السّنة الثامنة من المائة الرّابعة
بعد الالف من الهجرة النبویّة فی کربلاء المعلّی علی مشرّفها
الاف التحیّة و الثّناء حامدا مصلیا مستغفرا و
کتبه بیمناه الدّاثره الخاطئ العبد السیّد جمال الدّین
محمّد الطّباطبائی الیزدی الحائری
عفی عنه

بسم الله الرحمن الرحیم

تقریظ جناب عمدة العلماء العاملین قدوة الفقهاء الکاملین العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفهامة المحدث الفقیه المتتبع النبیه حاوی الفروع والأصول جامع المعقول والمنقول محقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح الهدی مفتاح الدجی سمی ثانی السبطین مولانا الحاج میرزا حسین النوری الطبرسی نور الله قلبه ومتع الله المسلمین بطول بقا

بسم الله الرحمن الرحیم

لله در السید السند والحبر المعتمد جامع فنون الفضائل و حاوی صنوف المعالی والفواضل وماحی مساوی الأخلاق والرذائل النقاد البصیر والمضطلع الخبیر علم السادة ومعدن الفض والسعادة الأمجد المؤید جمال الدین السید محمد بلغه الله تعالی ما یتمناه فقد احسن واجاد فی هذا التألیف الشریف واغرب وافاد فی هذا الجمع المنیف اللطیف واودع فیه من شوارد الآثار ما تشتهیه الأنفس وتلذ الابصار واجمع فیه من نوادر الأخبار ما تروح به قلوب الأخیار فجزاه الله عن السلف الصالحین والخلف الباقین خیر جزاء المحسنین والحمد لله وصلوته علی خیر خلقه محمد وآله الطاهرین کتبه بیمناه الداثرة العبد المذنب حسین بن محمد تقی النوری الطبرسی

تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء و زبدة الأدباء قدوة الأذکیاء عین الفضل و بحر الأدب و کشاف معضلات من لغات العجم و العرب الفاضل الجلیل العالم النبیل الأدیب الأریب الشاعر الماهر المعاصر آقا شیخ علی الخراسانی الأصل الحائری الموطن الملقب بشیخ الرئیس دام الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افسرده این محب حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الرئیس علی الخراسانی عفی عنه و عن والدیه بر صفحه این صحیفه اجرا یافته تا اینکه از این حقیر هم نخودی در آش و تاری در قماش در این صفحه ایام باقی ماند شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلف از برای این عبد عاصی در یوم الفزع الاکبر نجاة و خلاص حاصل اید

تعالی الله ازین تالیف کامل … که در وی جمع امد هر اوائل
تعالی الله ازین شیرین کتابی … که نبود در کتب ان را مماثل
چو عقل اول این اول کتابیست … که در جمع اوائل گشته حاصل
ز هر اول درین فن امد اغاز … ز هر شهر و دیار و هر قبائل
دران بنهاده بحر عما ز معانی … بالفاظی خوش و لطف و شمائل
بسی در و گهر بنهفته در وی … که رخشان هر دری همچون مشاعل
کتابی همدم ارباب دانش … کتابی مونس اهل فضائل
مهدلانه دران اثبت تاریخ … بوجهی شامل و بر نحو کافل

نديدهٔ ديدهٔ اهل بصيرت   چنين تأليف با چندين شمايل
ز نوك خامهٔ استاد تحقيق   جمال العقل و دين صدر افاضل
جمال الدين محمّد آنكه آمد   بدانش فخر اقران و اماثل
مهين نوباوه ختم رسالت   حسين و مرتضى را خوش سلايل
فروزان كوكب درج مناقب   درخشان گوهر درج خصائل
از او علم رجال آمد مسدّد   چنانچه در حديث آمد وسائل
محيط دانش او بيكرانه   بحار بينش او بى سواحل
كلامش گشته مفتاح تواريخ   بيانش جمله مصلح مشاكل
ز تصنيفات وى آمد رجوافى   بدست آورده هر پيرى رسائل
حروفش تحفة الاخوان سالك   رموزش درّة البيضاء عاقل
رئيس از بهر تاريخش شب و روز   چو مهر و مه روان در هر مراحل
كه ناگه هاتف غيبش بگفتا   بگو شد نام احياء الأوائل

تقريظ منظوم از جناب قدوة الفضلاء زبدة الاطبّاء الأديب الأريب اللّبيب مولانا السيّد مهدى الطّبيب الحائرى المشهور بالشّهرستانى دام عمره

جزيت خيراً جمال الدّين حين سمت
منك العلوم وكان العلم مهجورا
فقشعت ظلمات قد اطلّ بها
جهاله فاستنار الحقّ تنويرا
احيا الأوائل اعجازاً بما رقمت   منه الانامل منظوما ومنثورا

كيف التّكير و تاليفاته نطقت
بفضله و بسعي جاء مشكورا
فانظر الى كتبه تنظر الى صور
فيها النّفوس اقامت للعلى سُورا
ما معظل قطّ الّا قد انار بها
برهانه و اضاء الشّكّ تفسيرا
سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ماثورا
سقيا الأجداث اباء له سلفت
و علمهم ظلّ في الأجداث مسطورا
حتّى اذا نهضت ابناءها و رثت
و قد بدا منهم ما كان مغمورا

تقريظ منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلآء العالم الفاضل الأوحد الكامل الموحّد مولانا صارم الدّين الميرزا محمّد زيد عزّه سبط العالم الرّبّاني و الفاضل الصّمدانى مولانا محمّد صادق الأردستاني اليزدي الحائري طاب رمسه

عماد الواعظين محمّد من   تنزّه من صباه عن الرّذائل
جمال الدّين من عليا نزار   حليف المجد من خير القبائل
تحلّى بالمكارم و المآثر   تجلّى بالمحاسن و الفواضل
زكيّ لو زعمت المعيّ   و بيب العلم محسود الأماثل

توارث عن ابيه الفضل قدما وكان ابوه ينبوع الفضائل
شريف الأصل ممدوح السجايا جليل القدر محمود الخصائل
له في المكرمات شهود صدق له في فضله كم من دلائل
ففيها ما يزيد العين نورا ويسلو منه قلب كل ثاكل
كتاب مستطاب ارّجوه يسرّ القلب اخب[illegible]أوائل

تقريظ منظوم من جناب الفاضل الجليل والعالم النبيل الشيخ موسى الحائري دام عمره العالي صاحب كتاب تحقيق الاحكام

بشرى لكم قد اتاكم خير تأليف بخير طرز واسلوب وتوصيف
من بحر فضل جمال الدين من سمكا
سماء مجد وتفخيم وتشريف
كفاه تأليفه فضلا وفيه غنى
عن ذكر مدح وتبجيل وتوصيف
احيا بما فيه اخبار الأوائل فما
المرجوّ خير الجزآء عن كلّ عطريف

تقريظ منظوم از جناب مستطاب فاضل كامل شاعر ماهر اديب اريب اقا سيد هاشم واعظ خلف مرحوم جناب قدوة الفقهاء العظام محقّق الحقائق مولانا الحاج سيّد محمّد باقر الطّباطبائي اليزدي طاب ثراه صاحب كتاب وسيلة الوسائل في شرح الرسائل

اگر خواهی که از اخبار ایدل ما خبر باشی بخوان هر دم ز فرط شوق اخبار الاوائل

وگر خواهی ز اسرار لدنی آگهی یابی
که بنمائی توصید خویش هر آگاه کاملرا
چه خوش باشد که با وی انس گیری تا دم مردن
که مونس گشته او پیوسته ارباب فضائل را
حکاستقل مخذ از لوح محفوظ خداوندے
که موجود است و هستی داد عالمرا اُخیا هبل را
سل البلاغ بنویسند بر رخسار حور العین
روا باشد چه الفاظش منور میکند دل را
سقیا الأجداث آباء در برج دانش و بینش
که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را
هتی آل احمد اطهر دلیل شرع پیغمبر
مثال جد خود حمیده نکو کرده خصائل را
جمال الدین والدنیا محمد زاده زهرا
که اندر عصر خود فخر است اقران و اماثل را
بود تاریخ تألیفش بعهد ناصر الدین شه
نه بیند در جهان چشمی چنین سلطان عادل را
شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
نزاید مادر گیتی چه او فرزند مقبل را
چه رفتی یکهزار و سیصد و هفت با یک از هجرت
بانجام آمد این تألیف وزایل کرد باطل را

بمدح این کتاب ای قطب عقلت
شد چنین عاجز
که در عمرت نخواهی حل نمود اینگونه مشکل را

تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد
الزاهد الشاعر الماهر المعاصر المحولی الاقا شیخ جواد الله زوفی
الحایری المتخلص بوامق سلمه الله تعالی و برکتا[illegible] الأئمة
وموئل ارباب الفضائل العالم النبیر
تبارک الله ازاین اختتام طرفه کتاب تحقیق الاحکام
بزرع علم تو گوئی چو [illegible] توصیف
سحاب فضل همانا بفصل نیسانی
نهفت در صدفی وتشریف
گرفت مریم دهر از نهیب روح قدس
هزار عیسی جان آفرین [illegible]
برغم مدعیان نوعروس حجله فضل
فکند از رخ معنی هزارگونه نقاب
بپرده چند سخن فاش گویمت بملا
که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
در اوست مندرج اخبار هر اوائل دهر
یگانه گوهر قیمتیست بس نایاب
نخست نغز کتابیست از مؤلف آن
که متقن است و مسلم بصحه اصحاب

بیان وی همه نغز [illegible]
[illegible] بن عقل فصل خطاب
مورخین همه [illegible] شاب و شیخ
محدثین همه در مدحتش ز شیخ و شاب
انیس [illegible] اهل کمال
جلیس بی مثلی در بر اولوا الألباب
اراکی [illegible] رقم ز نوك خامه بجل
جمال ملة والدین سلالة اطیاب
[illegible] رسل جامع لغات و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نسب
ربوده گوی سعادت ز همگنان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بتیم و زباب
همین بس است بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلك پیران دین بعهد شباب
برتبه مجلسی عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار کلاب
بکار سرعت تحریر نوك خامه او
رقم زند ز دو صد قصه در ذهاب و ایاب
بیان وصف چنین نوخجسته ممکن نیست.
زین تالیف توان گشت عالمی سیراب

زبان

زبان ببند تو وامق ز مدح و منقبتش
گذار قصهٔ مدحش سوی دعا بشتاب
الا هماره فلک تا که پر ستاره بود
همیشه تا که بباید مطر ز حلق سحاب
بحلوه روی محبش با نبساط سرور
بگویه چشم حسودش چه ریزش میزاب

مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب قدوة الفضلاء الکرام آقا شیخ جواد دزفولی الاصل که صاحب تقریظ منظوم است ساعت صحن نجف را که از موقوفات جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملک دام ... است آنچه در شبانه روز که بیست و چهار ساعت است ربع و نیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد با این مصرع آخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه روز ششصد و سی و شش هست)

"ساعت صحن که بد یاد او ز علی
٦٣٦
صد محمد ای قوام دین علی

مذکورا شهیر بود بر قوم افتاد

تمت

منه
سیاه خیل بصیر
رمشن است
سراپا احوال

الانبیآء والائمّة علیهم لتقیّة والرّجعة نجات
المذنبین فی مصائ ین لطائف الاقوال فی
معرفة الرّجال لظلامة فی اسماء
تاریخ ریاض عرائس
البلدان الفضلآء وروضة الشّعرآء اخبار الاوائل
ومو فضائل که همین کتاب است ریاض الملوک
فی یر والسّلوک مشتمل علی الجداول والبیوت
المصنّفین من العلمآء وترجمة المؤلّفین من الفضلآء
ح التّواریخ فی ذکر حالات السّلاطین الصّفویّه
وانح عمری ماه ومهر فی تاریخ بوشهر تحفة الاخوان
فی احوال سیّد العارفین آقاخان الحسینی المحلّاتی ر
النّاصریّه مخزن الدّعوات المجرّبه نجوم الارض فی ذ
محدّثین العصر الّذین اطاعة النّاس لهم فرض احسن
التّقویم فی الاختیارات بحر الحقائق وکشف الدّقائق
فی الاشعار کتاب الکشکول المسمّی بموائد الـ
وفوائد الحائرین ربیع القلوب
زبدة الاخبار فی تاریخ ا
تحفة الانام فی شر
احوال بنی آدم م
التّواریخ فی تا